

زندگی با آنکه بی‌رها

سرزمین قهرمانان



زندگی با آیه‌ها سرزمین قهرمانان

کاری از:

مؤسسه فرهنگی هنری محتوای نقطه‌زن
(کارگروه کودک و نوجوان غیورمردان ایران زمین)

نویسنده: علی آب‌انباری

ویراستار: حسین حبیبی‌فهمیم

طراح جلد: سید محمد موسوی

صفحه‌آرا: علی عبادی‌فرد

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

نوبت و سال چاپ: اول / بهمن‌ماه ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰,۰۰۰ جلد | قیمت: ۱۰۰,۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۷۲-۹۹-۴

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)

۰۹۱۲۸۰۸۱۲۴ _ ۰۲۱۶۶۹۵۶۰۹۵



- جلسہ اول: سرزمین قهرمانان! (سورہ بقرہ، آیہ ۲۱۶)..... ۱۱
- جلسہ دوم: عبور از دوست داشتنی‌ها! (سورہ آل عمران، آیہ ۹۲)..... ۲۵
- جلسہ سوم: باہم قوی‌تریم! (سورہ مائدہ، آیہ ۲)..... ۳۷
- جلسہ چہارم: رسم بزرگی! (سورہ اعراف، آیہ ۱۹۹)..... ۴۹
- جلسہ پنجم: اشکالی بزرگ! (سورہ انفال، آیہ ۴۶)..... ۶۱
- جلسہ ششم: شاہ کلید قهرمانی! (سورہ ابراہیم، آیہ ۷)..... ۷۵
- جلسہ ہفتم: مقابلہ بہ مہر! (سورہ فصلت، آیہ ۳۴)..... ۸۹
- جلسہ ہشتم: زخمی کشندہ! (سورہ ہمزہ، آیہ ۱)..... ۱۰۳
- جلسہ نہم: ایستادہ چون کوہ! (سورہ جن، آیہ ۱۶)..... ۱۱۵
- جلسہ دہم: الگوی تمام عیار! (سورہ فتح، آیہ ۲۹)..... ۱۲۹

تقديم به:

ساحت مقدس امّ المقاومة، حضرت زهرا عليها السلام
و همسر و فرزندان شهيد ايشان
بالأخص سيد حسن نصرالله رحمة الله عليه

مقدمه

در دنیای پرهیاهوی امروز، جایی که هر روز با چالش‌ها و دشواری‌های جدیدی روبه‌رو می‌شویم، مفهوم قهرمانی بیش‌ازپیش اهمیت یافته است. «سرزمین قهرمانان» نه تنها یک کتاب، بلکه یک سفر به اعماق روح انسانی است؛ سفری که در آن اصول قهرمان‌شدن باتکیه بر آیات منتخب قرآن کریم به تصویر کشیده می‌شود. این کتاب به ما یادآوری می‌کند که قهرمانان واقعی، کسانی هستند که از دل سختی‌ها و چالش‌ها برمی‌خیزند و با اراده‌ای قوی و قلبی سرشار از محبت، به دنبال نیکی و تقوا هستند. در این سرزمین، قهرمانی به معنای فرار از مشکلات و انتخاب راه‌های میان‌بر نیست؛ بلکه به معنای عبور از موانع و درک این نکته است که ممکن است چیزی را که دوست داریم، برای ما مضر باشد و برعکس. این کتاب به ما می‌آموزد که برای رسیدن به نیکی، باید از آنچه دوست داریم، بگذریم و به دیگران یاری رسانیم.

با نگاهی عمیق به آیات الهی، «سرزمین قهرمانان» اصولی را معرفی می‌کند که هر یک از ما را به قهرمانان زندگی‌مان تبدیل می‌کند. از گذشت و انعطاف‌پذیری تا شکرگزاری و پاسخ به بدی‌ها با خوبی، این اصول به ما یاد می‌دهند که چگونه می‌توانیم در زندگی خود قهرمان باشیم و دنیای اطرافمان را به مکانی بهتر تبدیل کنیم.



در «سرزمین قهرمانان»، هر اصل نه تنها یک آموزه، بلکه یک دعوت به عمل است. این اصول ما را به چالش می‌کشند تا از خود بپرسیم: آیا واقعاً آماده‌ایم تا از راحتی‌های موقتی بگذریم و برای تحقق اهداف بزرگ‌تر تلاش کنیم؟ آیا می‌توانیم در برابر ناملايمات ايستادگی کنیم و به کمک دیگران بشتابیم؟ این کتاب به ما نشان می‌دهد که قهرمانان واقعی، افرادی هستند که در برابر چالش‌ها تسلیم نمی‌شوند و با عشق و ایثار به دیگران خدمت می‌کنند.

هر فصل از این کتاب به بررسی یکی از اصول قهرمان شدن می‌پردازد و باتکیه بر آیات قرآن، به ما می‌آموزد که چگونه می‌توانیم در زندگی روزمره مان این اصول را به کار ببریم. از اهمیت گذشت و انعطاف‌پذیری گرفته تا ضرورت همکاری و یاری‌رساندن به دیگران، هر اصل ما را به سمت رشد و تعالی سوق می‌دهد. این اصول به ما یادآوری می‌کنند که قهرمانی نه تنها در میدان جنگ، بلکه در زندگی روزمره و در تعاملات انسانی نیز معنا دارد.

در نهایت، «سرزمین قهرمانان» ما را به یادآوری این نکته دعوت می‌کند که قهرمانی در ذات هر انسانی نهفته است. با پیروی از این اصول، می‌توانیم نه تنها زندگی خود را بهبود ببخشیم، بلکه به تغییر مثبت در جامعه مان نیز کمک کنیم. این کتاب یک نقشه راه است؛ نقشه‌ای که ما را به سمت قهرمان شدن هدایت می‌کند و به ما یادآوری می‌کند که هر یک از ما می‌توانیم قهرمان زندگی خود و دیگران باشیم.

بیايد با هم به این سفر بپیوندیم و با الهام از آموزه‌های این کتاب، به قهرمانانی تبدیل شویم که نه تنها در زندگی خود، بلکه در زندگی دیگران نیز تأثیر مثبت می‌گذارند. «سرزمین قهرمانان» در انتظار شماست؛ جایی که هر قدم شما می‌تواند به تغییرات بزرگی منجر شود. قهرمان شوید و دنیای خود را به «سرزمین قهرمانان» تبدیل کنید.



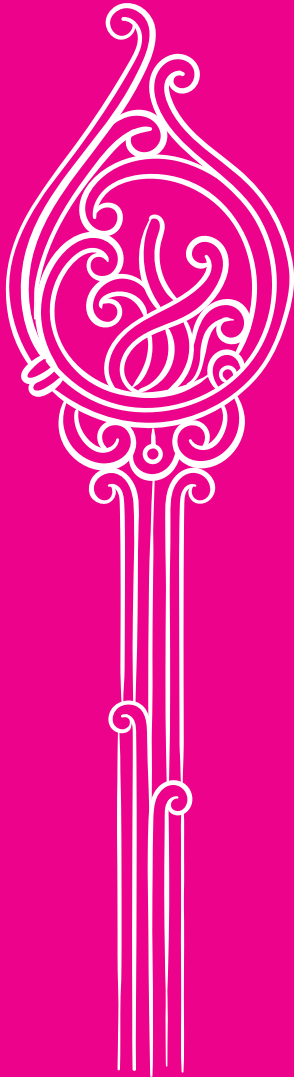
گفتنی است هدف ما از تألیف این کتاب، معرفی آیات قرآن کریم به گونه‌ای است که کودکان بتوانند آن‌ها را در زندگی روزمره خود لمس کرده و درک عمیق‌تری از معانی آن‌ها پیدا کنند.

این کتاب به‌طور خاص برای کودکان عزیز در بازه سنی ۷ تا ۱۲ سال طراحی شده است. ما تلاش کرده‌ایم تا با استفاده از زبانی ساده، داستان‌های جذاب، اشعار، بازی‌ها و... مفاهیم آیات را به شکلی قابل فهم و نزدیک به زندگی کودکان ارائه دهیم. هر جلسه از این کتاب به یک آیه خاص اختصاص دارد و در پایان هر جلسه، یک عهدهی با آن آیه قرار داده شده است. این عهدها فرصتی برای کودکان فراهم می‌آورند تا با تفکر در مورد آیه و تعهد به عملی کردن آن در زندگی خود، ارتباطی عمیق‌تر با مفاهیم دینی برقرار کنند.

مبلغان و مربیان گرامی می‌توانند این مباحث را در کلاس‌ها و برنامه‌های قرآنی خود استفاده کنند و امید است که این کتاب، منبعی الهام‌بخش برای کودکان باشد و آن‌ها را در مسیر رشد معنوی و اخلاقی یاری کند.

در پایان، رسم ادب به جای آورده و از همه عزیزانی که در تولید این کتاب مرا یاری نمودند، مخصوصاً حجت‌الاسلام رضا زندوکیلی و همسر مهربان و پسر عزیزم، محمدحسین آب‌انباری، از جان سپاسگزارم.





جلسه اول

سرزمین قهرمانان!

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ
وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾

سوره بقره، آیه ۲۱۶

چه بسا چیزی را دوست نداشته باشید، اما
به نفعتان باشد. چه بسا هم چیزی را دوست
داشته باشید، اما به ضررتان باشد.



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا
شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ
لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢١٦﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ
الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ
اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ
أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ
يُقْتَلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَنْ
يَرْتَدِدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَئِكَ
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ
النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٢١٧﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ
هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ
اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿٢١٨﴾ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ
قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ
مِنْ نَّفْعِهِمَا أَوْ يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَكَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢١٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
دلت را با خدایت آشنا کن ز عمق جان، خدایت را صدا کن
بکن هر کار را با نامش آغاز خدای مهربان از خود رضا کن
سلام بچه‌ها، سلام غنچه‌ها، سلام فرشته‌های روی زمین؛ هزاران سلام
به همه شما غیورمردان ایران زمین.

خبر آمد که بهار دل ما آمده است

مژده کم‌شدن فاصله‌ها آمده است

باز از عرش خداوند ندا آمده است

بندگان! ماه خدا، ماه خدا آمده است

فرارسیدن ماه زیبا و دوست‌داشتنی رمضان را خدمت همه شما

عزیزان دوست‌داشتنی تبریک عرض می‌کنم.

امیدوارم که حال دلتان همیشه خوب باشد و قرآنی.

دوستان قرآنی من! از آن جا که این ماه، ماه قرآن است و قرار است

ما بر سر این سفره الهی بنشینیم، به همین خاطر ابتدای همه کلاس‌ها

و برنامه‌هایمان را با قرآن شروع می‌کنیم و من هر روز یک آیه را روی تابلو می‌نویسم و همان ابتدای کار با هم می‌خوانیم، تا هم ثوابی برده باشیم و هم بدانیم درباره چه چیزی می‌خواهیم صحبت کنیم.

هر کس آماده است، همین اوّل کار، یک صلوات قرآنی بلند بفرستد.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطَهَارِ﴾

احسنت به همه شما عزیزان قرآنی.

آیه‌ای که امروز روی تابلو می‌نویسم و شما باید یک بار بعد از من تکرار کنید،^۱

بخشی از آیه ۲۱۶ سوره بقره است. خداوند در قسمتی از این آیه می‌فرماید:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾

حالا شما عزیزان بعد از من تکرار کنید:

– ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

– ﴿عَسَىٰ﴾

– ﴿أَنْ تَكْرَهُوا﴾

– ﴿شَيْئًا﴾

– ﴿وَهُوَ﴾

– ﴿خَيْرٌ لَّكُمْ﴾

– ﴿وَعَسَىٰ﴾

– ﴿أَنْ تُحِبُّوا﴾

– ﴿شَيْئًا﴾

– ﴿وَهُوَ﴾

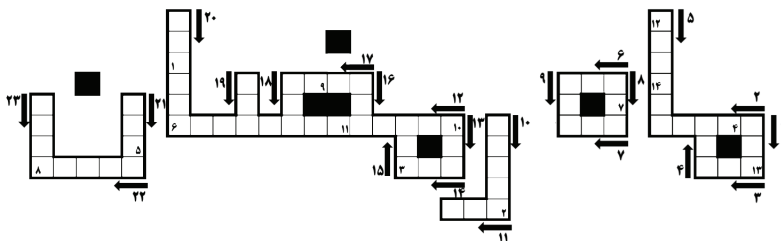
– ﴿شَرٌّ لَّكُمْ﴾

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند، ایدئال این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

ممنونم و سپاس گزار از همه شما دوستان و عزیزان. الهی که سراسر زندگی تان قرآنی باشد.

شروع

موضوع امروز را می خواهیم با یک جدول زیبا و جذاب شروع کنیم. یادتان نرود که هر کس می خواهد سؤالات را جواب بدهد، اول باید دست بلند کند. خب، چون در ماه مبارک رمضان هستیم، پس جدول ما هم جدول «ماه رمضان» است.



سؤالات:

۱. نمازی که قضا نیست: (ادا)
۲. کمک رساندن: (امداد)
۳. از کلمات سوره توحید: (أحد)
۴. به معنای رنج: (درد)
۵. برعکس دانستن: (نتسناد)
۶. عجم نیست: (عرب)
۷. سوره ای به نام شب: (لیل)
۸. نادان ندارد: (عقل)
۹. وسیله پرواز پرندگان: (بال)
۱۰. با آن، روزه را باز می کنیم: (افطار)

۱۱. ماه تولد حضرت علی علیه السلام: (رجب)
۱۲. ماه مهمانی خدا: (ماه مبارک رمضان)
۱۳. همراه زن: (مرد)
۱۴. شکاف دوخته شده: (درز)
۱۵. لباسی در جنگ: (زره)
۱۶. میوه بهشتی: (سیب)
۱۷. صبحانه ماه رمضان: (سحری)
۱۸. به معنای زاپاس است: (بَدَل)
۱۹. روزه به عربی: (صوم)
۲۰. جمع دوست: (دوستان)
۲۱. به معنای بلندمرتبه: (شریف)
۲۲. زکات بدن: (فطریه)
۲۳. کادو: (هدیه)

احسنت به همه شما عزیزان دل، با این اطلاعات قرآنی و البته اطلاعات عمومی خوب.

خب بچه‌های عزیزم! جدول ما رمزی دارد که شما باید آن را به دست بیاورید. برای پیدا کردن رمز هم کافی است ۱۴ عدد داخل خانه‌ها را کنار هم بگذارید. هر کس زودتر جواب را به دست آورد، لطفاً دستش را بلند کند. خب رمز جدول ما چی شد؟ احسنت به شما دوستان! رمز جدول ما شد: «سرزمین قهرمانان».

شاید برایتان سؤال شده باشد که «سرزمین قهرمانان» دیگر از کجا پیدا شد؟! قبل از اینکه نکاتی را در این باره بگویم، به نظر شما «سرزمین قهرمانان» به چه سرزمینی گفته می‌شود؟^۱

آفرین به جواب‌هایی که دادید؛ اما بچه‌ها همان طور که می‌دانید، ما انسان‌ها همیشه دوست داریم شبیه قهرمان‌ها باشیم. خداوکیلی تا حالا کسی را دیده‌اید که انسان‌های ضعیف و دست‌وپاچلفتی را دوست داشته باشد؟!

خب معلوم است که نه؛ همه ما انسان‌ها دوست داریم قهرمان باشیم؛ اما متأسفانه یک نکته خیلی مهم را فراموش می‌کنیم و همین فراموشی باعث می‌شود که ما هیچ‌وقت قهرمان نشویم! حالا این نکته مهم چیست؟ لطفاً از این جا به بعد را خیلی خوب گوش بدهید.

دوستان قهرمان من! آن چیزی که باعث قهرمان شدن بعضی انسان‌ها می‌شود، توجه کردن به برخی نکات و ویژگی‌هاست. ما آدم‌ها گاهی فراموش می‌کنیم که کسی قهرمان می‌شود که بعضی ویژگی‌ها را داشته باشد. قهرمان شدن به این آسانی نیست! تا من و شما بعضی ویژگی‌ها را نداشته باشیم، هرگز قهرمان نخواهیم شد.

در این جلساتی که باهم خواهیم بود، می‌خواهیم به بعضی از ویژگی‌های قهرمانان اشاره کنیم.

اولین ویژگی قهرمانان که مرتبط با همین آیه‌ای بود که ابتدای کلاس

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

نوشتیم و خواندیم، عبارت است از ناامید نشدن. یعنی چی؟ یعنی برای قهرمان شدن و در مسیر قهرمانی، حق نداری ناامید شوی! البته قبول داریم که خیلی اوقات سختی‌هایی هم دارد، اما بودن این سختی‌ها دلیل ناامید شدن یا تنفر از آن کار نمی‌شود. بچه‌ها! شاید باورتان نشود، اما هستند کسانی که تا با یک مشکلی روبه‌رو می‌شوند، سریع احساس ناامیدی در آن‌ها ایجاد می‌شود و ناراحت می‌شوند و گاهی از ادامه آن کار دست برمی‌دارند! اگر گفتید مشکل این افراد چیست؟^۱ مشکل اصلی‌شان این است که حواسشان به این آیه‌ای که خواندیم نیست.

این افراد فراموش می‌کنند که خداوند می‌فرماید: ﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾. یعنی چی؟ یعنی خیلی اوقات ما چیزی را دوست داریم، اما آن چیز یا آن کار به ضرر ماست، یا برعکس؛ گاهی ما از چیزی بدمان می‌آید و اصلاً آن را دوست نداریم، اما پس از مدتی می‌فهمیم که اتفاقاً آن چیز یا آن کار خیلی به درد ما خورده و به نفع ما بوده است.

کدام یک از عزیزان می‌تواند مثالی بزند که از یک چیزی ناراحت یا بیزار بوده، ولی بعداً متوجه شده که آن چیز اتفاقاً خیلی هم خوب بوده است؟^۲

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.
۲. برای مشارکت و همراهی متریبیان، ضروری است که پاسخ کامل متریبیان شنیده شده، از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

خیلی ممنونم از مشارکت فعال شما عزیزان دل؛ اما قبل از اینکه من چند مثال بزنم، بیا بید یکی دو مرتبه این آیه را باهم تکرار کنیم. ابتدا من بخش بخش می خوانم و شما هم بعد از من تکرار کنید.

– «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

– «عَسَىٰ»

– «أَنْ تَكْرَهُوا»

– «شَيْءًا»

– «وَهُوَ»

– «خَيْرٌ لَّكُمْ»

– «وَعَسَىٰ»

– «أَنْ تُحِبُّوا»

– «شَيْءًا»

– «وَهُوَ»

– «شَرٌّ لَّكُمْ»

احسنت به همه شما عزیزان. شادی دل اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خلاصه اینکه ممکن است ما چیزی را دوست داشته باشیم، اما آن چیز به ضرر ما باشد، یا برعکس، ممکن است ما از چیزی بیزار باشیم، اما آن چیز به نفع ما باشد.

بیا بید چند مثال بزنیم.

وقتی بچه بودم، همیشه با خودم می گفتم:

«واقعاً چرا مامانا و باباها بچه‌هاشون رو دوست ندارن؟! چرا بهشون واکسن و آمپول می‌زنن؟! چرا باعث اذیت بچه‌ها می‌شن؟! یا برعکس، چرا نمی‌داشتن ما چیپس و پفک و بستنی و خیلی چیزای باحال و خوشمزه دیگه رو زیاد بخوریم؟! یا چرا نمی‌داشتن ما زیاد با موبایل بازی کنیم؟!»

و خیلی سوالات شبیه این‌ها.

خب الان که بزرگ‌تر شدم، تازه می‌فهمم که پدر و مادرم چه لطف بزرگی به من کرده‌اند! حالا می‌فهمم که آن واکسن باعث سلامتی الان من شده است. یا مثلاً اگر اجازه می‌دادند که آن روزها چیپس و پفک و بستنی‌های زیادی بخورم یا زیاد با گوشی بازی کنم، الان معلوم نبود چه معده و روده و دندان و چشمی داشتم.

این کار پدر و مادرم ما دقیقاً معنای همین آیه است: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ».

به این داستان توجه کنید:

در زمان قدیم، پیرمردی روستایی بود که از مال دنیا فقط یک پسر داشت و یک اسب.

یک روز اسب این پیرمرد فرار کرد و همسایه‌هایش به او گفتند: عجب آدم بدشانسی هستی! فقط یک اسب داشتی که آن هم فرار کرد!

پیرمرد نگاهی به آن‌ها کرد و گفت: از کجا می‌دانید این کار از خوش‌شانسی من بوده یا از بدشانسی من؟!

همسایه‌ها گفتند: خب معلوم است که از بدشانسی تو بوده! هنوز یک هفته از این ماجرا نگذشته بود که اسب پیرمرد همراه با چند اسب وحشی دیگر به خانه برگشت! این بار همسایه‌ها برای تبریک نزد پیرمرد آمدند و گفتند: عجب اقبال بلندی داشتی

و چقدر خوش شانس بودی که اسبت همراه با چند اسب دیگر
به خانه برگشت!

پیرمرد بار دیگر گفت: از کجا می دانید که از خوش شانس من
بوده یا از بدشانسی ام؟!

فردای آن روز، پسر پیرمرد در حال سوارکاری بین اسب‌های
وحشی، به زمین خورد و پایش شکست.

همسایه‌ها باز هم آمدند و گفتند: عجب انسان بدشانسی هستی!
اما پیرمرد باز هم گفت: از کجا می دانید که از خوش شانس من

بوده یا از بدشانسی ام؟!

بالاخره چند نفر از همسایه‌ها عصبانی شدند و با ناراحتی رو به
پیرمرد گفتند: خب معلوم است که از بدشانسی تو بوده، پیرمرد
نادان!

پیرمرد سکوت کرد و چند روزی گذشت. مدتی بعد بین این
کشور و کشور همسایه جنگی رخ داد و نیروهای دولتی برای

گرفتن سرباز از راه رسیدند و تمام جوانان سالم آن روستا را
برای جنگ و دفاع از سرزمین، با خود بردند؛ اما پسر این پیرمرد

به خاطر اینکه پایش شکسته بود، از اعزام به جنگ معاف شد.
همسایه‌ها باز هم برای تبریک به خانه پیرمرد آمدند و گفتند:

عجب شانس آوردی! پسرت معاف شد.

و پیرمرد باز هم تکرار کرد: از کجا می دانید که ...

بچه‌های عزیز! این داستان به ما می‌گوید: همیشه زمان است که ثابت
می‌کند بسیاری از اتفاقات و بدبختی‌هایی که فکر می‌کردیم به ضررمان

است، به خیر و صلاح ما بوده و برعکس. پس نتیجه این داستان، معنای
همان آیه‌ای است که گفتیم: **﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ**

تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾.

پس در مسیر قهرمانی حق نداریم عقب نشینی کنیم و در یک کلام: ناامیدی ممنوع!

آخرین نکته کلاس امروزان هم خاطره‌ای باشد از یکی از ابرقهرمانان ایران زمین. نه از آن قهرمانان آلکی مثل بَتَمَن و مرد عنکبوتی و سوپرمن و هالک و... که فقط در فیلم‌ها هستند؛ نه، بلکه یک قهرمان واقعی در یک دنیای واقعی!

بچه‌های عزیزم! ما باید به این مرز و بوم و ذره‌ذره خاک ایران عزیزمان افتخار کنیم؛ چراکه ایران «سرزمین قهرمانان» است.

اسم یکی از این قهرمانان واقعی «ابراهیم هادی» است.^۱ ابراهیم یکی از شهدای ماست و البته از قهرمانان گُشتی ما هم بود. در خاطرات شهید ابراهیم هادی آمده است:

در یکی از عملیات‌ها و در آن تاریکی شب، هرچه می‌رفتند، به توپخانه دشمن نمی‌رسیدند و ظاهراً گم شده بودند و همه از این حالت ناراحت بودند. آقا ابراهیم به سجده می‌رود و توسلی می‌کند و دوباره به گشتن خود ادامه می‌دهد؛ تا اینکه می‌بیند پشت توپخانه دشمن هستند. از همان جا حمله می‌کنند و چند اسیر و تعدادی توپ به غنیمت می‌گیرند.

بعداً خود شهید این آیه امروز ما را می‌خواند و می‌گفت: «از اینکه نیروهایمان گم شدند، خیلی ناراحت بودم؛ اما این خواست خدا بود که ما از پشت به دشمن حمله کنیم؛ چون نیروهای دشمن در طرف دیگر منتظر ما بودند».

و این یعنی: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ».

۱. چه زیباست که مربیان عزیز عکس این شهید عزیز را از قبل تهیه کنند و وقتی نام ایشان را می‌آورند، عکسشان را نیز به نمایش بگذارند.



خب بچه‌های عزیزم! بحث امروز ما درباره «سرزمین قهرمانان» بود و گفتیم که قهرمان‌ها، ویژگی‌هایی دارند که در این جلسات به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

اولین ویژگی قهرمان واقعی که در این جلسه به آن اشاره کردیم، ناامید نشدن بود و گفتیم که ما باید در مواجهه با سختی‌ها و دشواری‌های زندگی ناامید نشویم و به یاد بیاوریم که خداوند همیشه خیر و صلاح ما را می‌خواهد؛ چراکه: **﴿وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ﴾**.

عهد با ایزد

بچه‌های عزیز! حالا که درباره حرف‌های قشنگ قرآن صحبت کردیم، بیایید به اتفاق‌های گذشته زندگی خودمان فکر کنیم. چند مورد از لحظه‌هایی که فکر می‌کردید ناراحت‌کننده یا بد بودند را به یاد بیاورید و روی یک کاغذ بنویسید؛ بعد فکر کنید که چطور آن اتفاق‌ها در نهایت به یک چیز خوب یا مفید برای شما تبدیل شدند.

دعای پایانی

در انتهای کلاس بیایید دست به دعا برداریم:
خدایا! به حق این ماه عزیز، به ما کمک کن تا همیشه اهل مبارزه باشیم
و در سختی‌ها کم نیآوریم؛ الهی آمین!
خدایا! به حق قرآن، به ما کمک کن تا از قهرمانان واقعی ایران زمین
باشیم؛ الهی آمین!
پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای علیه السلام سلامتی و طول
عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
شادی دل امیرالمؤمنین و حضرت زهرا علیها السلام بلند صلوات بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



سوره‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تیین آیه

جلسه دوم

عبور از دوست داشتنی‌ها!

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

سوره آل عمران، آیه ۹۲

فقط وقتی به مقامِ خوبان می‌رسید که از چیزهای
دوست داشتنی‌تان در راه خدا هزینه کنید.



سُورَةُ الرَّحْمٰنِ

لَنْ نَنالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ
فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ﴿٩٢﴾ * كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلاَّبًا لِّبَنِي
إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ ۚ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ
التَّوْرَةُ ۚ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
﴿٩٣﴾ فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ
هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٩٤﴾ قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا
وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿٩٥﴾ إِنْ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي
بِبَكَّةٍ مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ ﴿٩٦﴾ فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ
إِبْرَاهِيمَ ۖ وَمَنْ دَخَلَهُ ۖ كَانَ آمِنًا ۗ وَاللَّهُ عَلَى النَّاسِ حَجُّ الْبَيْتِ
مِنْ أَسْطَافٍ إِلَيْهِ سَبِيلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ
﴿٩٧﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ
عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ ﴿٩٨﴾ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبَغُّوهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ ۗ وَاللَّهُ
يَغْفِلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٩﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا
مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ ﴿١٠٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می کند آرام، قلب بندگانش را.

به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده مهربان

به نام خدای خوب و مهربان که به ما داده گوش و...

شما بفرمایید که به ما داده گوش و چی؟ آفرین به شما!

به نام خدای خوب و مهربان که به ما داده گوش و زبان

بچه ها به نظر شما چرا خدا به ما زبان داده؟^۱

بعضی ها می گویند خدا به ما زبان داده تا بتوانیم حرف بزنیم و گفت و گو

کنیم. خب این کاملاً درست است و هیچ شکی در آن نیست؛ اما به نظر

من چند تا کار دیگر را هم می توان انجام داد. مثل چی؟ مثلاً سلام کردن و

ثواب بردن.

پس هرچه که من می گویم، شما در جواب بلند می گوئید: «سلام».

یک و دو و سه سلام

صدا ضعیفه سلام

خیلی ضعیفه سلام

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

یک کمی بهتر سلام
 کمی قشنگ‌تر سلام
 یک کمی بلندتر سلام

سلام و صدسلام به همه شما غیورمردان ایران زمین یا بهتر است بگوییم: سلام و صدسلام به همه شما قهرمانان ایران زمین.^۱

یکی دیگر از دلایلی که خدای مهربان به ما زبان داده، این است که قرآن بخوانیم و ثواب جمع کنیم. در جلسه قبل قرار شد کلاس هایمان را با قرآن شروع کنیم. آیه‌ای که در این جلسه می‌خواهیم با هم بخوانیم را من روی تابلو می‌نویسم و بعد با هم تکرار می‌کنیم. تا من آیه را می‌نویسم، شما هم لطف کنید و یک صلوات قرآنی زیبا بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ﴾

احسنت به همه شما عزیزان دل!

آیه‌ای که با هم قرار است، بخوانیم بخشی از آیه ۹۲ سوره آل عمران است که خداوند می‌فرماید:^۲

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾

حالا همه با هم بعد از من تکرار کنید:

– ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

– ﴿لَنْ﴾

– ﴿تَنَالُوا الْبِرَّ﴾

– ﴿حَتَّى﴾

۱. «قهرمانان ایران زمین» برگرفته از مبحث گفته شده در جلسه قبل با عنوان «سرزمین قهرمانان» است.

۲. مریبان گرامی توجه داشته باشند، ایدئال این است که متربیان، آیات روزانه را تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

خب رمز گردونه چه شد؟
(هرگز به نیکی نمی‌رسید، مگر از آنچه دوست دارید، انفاق کنید).

ارائه محتوا

بچه‌ها یک سؤال:

چه کسی می‌تواند حدس بزند این جمله‌ای که به دست آوردیم، چه ارتباطی به بحث امروز ما دارد؟^۱

این جمله، ترجمه همین آیه‌ای است که امروز خواندیم؛ پس: ﴿لَنْ تَنَالُوا
الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾؛ یعنی هرگز به نیکی نمی‌رسید، مگر از آنچه دوست
دارید، انفاق کنید.

اگر یادتان باشد، در جلسه قبل گفتیم که می‌خواهیم از «سرزمین
قهرمانان» حرف بزنیم و به چند تا از ویژگی‌های قهرمانان واقعی که
خداوند در قرآن معرفی کرده، اشاره کنیم. در جلسه قبل گفتیم که در
مسیر قهرمانی، ناامیدی ممنوع است.

در این جلسه و بر اساس آیه ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ می‌خواهیم
بگوییم: قهرمان کسی است که از آنچه دوست دارد، به دیگران می‌بخشد و
انفاق می‌کند؛ یعنی به مقام خوبان که قهرمانان واقعی این دنیا هستند،
نمی‌رسیم، مگر اینکه اهل گذشت از دوست داشتنی‌ها باشیم.

بعضی آدم‌ها هستند که یک وسیله‌ای دارند که خراب است یا مشکلی
دارد یا دوستش ندارند، مثلاً مدادی یا ماژیکی دارد که رنگ خوبی ندارد یا
خوب نمی‌نویسد، یا لباسی دارد که طرح و رنگ دلخواه او را ندارد، یا مثلاً
غذا یا خوراکی‌ای را دوست ندارد، خب بخشیدن و هدیه دادن این چیزها
به دیگران که کاری ندارد! اصلاً مگر کار خاصی انجام داده است؟! قطعاً نه!

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث پردازند.

این شخص که هنری نکرده است. هنر، این است که آنچه دوست داریم را به دیگران ببخشیم: ﴿حَتَّىٰ تَنْفِقُوا مِمَّا حُبِّبْنَا﴾.

ببینید بچه‌ها! شما عزیزان، قهرمانان آینده این سرزمین هستید و هرچه بزرگ‌تر شوید، به این حرفی که الآن می‌خواهم بزنم، بیشتر پی خواهید برد. این حرف مهم این است که پدرها و مادرها قهرمانان واقعی زندگی هر انسانی هستند و این نکته را همه قبول دارند؛ چرا؟ چون همه با چشمان خودشان دیده‌اند که پدرها و مادرها از چیزهایی که دوست دارند یا حتی گاهی از چیزهایی که نیاز دارند، به خاطر فرزندان و خانواده می‌گذرند. خداوکیلی چه کسی دوست دارد شب‌ها برای راحتی دیگران بیداری بکشد؟!

خداوکیلی چه کسی می‌تواند از ته دیگ سیب‌زمینی خوشمزه دست بردارد؟!

خداوکیلی چه کسی حاضر است از صبح تا شب در سرما و گرما برای دیگران کار کند و هیچ توقعی هم از آن‌ها نداشته باشد؟!
جز پدر و مادر!

می‌دانید چرا؟ چون آن‌ها عاشق ما هستند؛ چون اهل انفاق هستند؛ چون آن‌ها قهرمانان واقعی هستند.

همه دیده‌ایم دیگر! مادران از خواب شبانه می‌گذرند؛ همیشه دیرتر از بقیه غذا می‌خورند؛ بهترین قسمت‌های غذا را برای خانواده‌شان کنار می‌گذارند؛ ته دیگ سیب‌زمینی خوشمزه، اول برای بچه‌ها و خانواده است، بعد اگر چیزی باقی ماند، نوبت خودشان می‌رسد!

پدرها هنوز صبح نشده، برای کارکردن از خانه بیرون می‌زنند و شب خسته و کوفته بازمی‌گردند و دوباره روز بعد به همین صورت؛ گرما و سرما هم ندارد؛ چرا؟ چون آن‌ها قهرمانان واقعی هستند.

قبل از اینکه سراغ یک بازی باحال برویم، بیایید سلامتی همه پدرها و مادرها و اگر خدای ناکرده از دنیا رفته‌اند، شادی روحشان، یک صلوات بلند و زیبا هدیه کنیم.

اول من می‌خوانم، بعد شما ادامه می‌دهید.

صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَي النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي آلِ النَّبِيِّ

حالا نوبت شماست.

صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَي النَّبِيِّ

صَلَّى اللهُ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ عَلَي آلِ النَّبِيِّ

احسنت به همگی! حالا بلند صلوات بفرستید.

((اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ))

((آی بازی بازی بازی چه حالی می‌ده بازی))

برویم سراغ یک مسابقه جذاب و باحال.

در این مسابقه ۴ نفر انتخاب می‌شوند و به دو گروه ۲ نفره تقسیم خواهند شد.^۱

من کلاس را به ۲ گروه سمت چپ و سمت راست تقسیم می‌کنم و خود شما عزیزان باید ۲ نفر را به نمایندگی از گروهتان انتخاب کنید. خوب نماینده‌ها بیایند کنار من تا مسابقه را شروع کنیم.

مسابقه به این شکل است که من به هر گروه یک بادکنک می‌دهم که داخل آن یک جمله ۷ کلمه‌ای است. در هر گروه هم یک نفر باید بدون

۱. مربی در انتخاب افراد دقت داشته باشد که خدای ناکرده باعث دلخوری و ناراحتی بچه‌های دیگر نشود.

استفاده از دست، شروع به بادکردن بادکنک کند، تا جایی که بادکنک بترکد. هر گروهی که زودتر بادکنکش را ترکاند و تکه‌های کاغذ را با کمک دوستش مرتب کرد، برنده مسابقه خواهد بود.^۱

به افتخار خودتان و این دو گروه باحال، یک دست خوشگل بزنید.^۲ پس گفتیم که یکی از ویژگی‌های قهرمانان واقعی، انفاق است؛ یعنی از چیزهایی که دوست دارند، می‌گذرند و به دیگران می‌بخشند. این آدم‌ها، نه تنها همه چیزهای خوب را برای خودشان نمی‌خواهند، بلکه دلشان هم برای دیگران می‌تپد. حتی بالاتر از این حرف‌ها، گاهی کسانی مثل سردار سلیمانی‌ها و شهدای دیگر که قهرمانان واقعی هستند، از جانشان به خاطر ما می‌گذرند!

((محمد حسین فهمیده)) نوجوانی هم سن و سال شما بود که سال‌ها پیش جانش را برای ما فدا کرد.

((علی لندی)) نوجوانی بود که چند سال قبل به خاطر نجات جان دیگران به شهادت رسید و در تاریخ ماندگار شد.

ما هم اگر می‌خواهیم قهرمان شویم، باید همان راه را ادامه بدهیم، و به آن جایگاه نخواهیم رسید، مگر اینکه خوب تمرین کنیم و تنها راهش این است که ابتدا از چیزهای کوچک شروع کنیم.

ما باید از بخشیدن چیزهای دوست‌داشتنی کوچک شروع کنیم تا بتوانیم برای فداکاری‌های بزرگ‌تر آماده شویم. چه کسی می‌تواند چند تا

۱. مربی باید از قبل، کلمات دو جمله زیر را در تکه‌های جداگانه روی کاغذ بنویسد و در هر بادکنک قرار دهد.

جمله اول: قهرمان‌ها - بهترین‌ها - را - به - دیگران - هدیه - می‌دهند.

جمله دوم: نیکوکاران - از - آنچه - دوست - دارند - انفاق - می‌کنند.

۲. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

از دوست داشتنی‌های کوچک را نام ببرد؟^۱
ممنون از پاسخ‌های درستی که دادید. گذشتن از دوست داشتنی‌های کوچک،

یعنی بخشیدن ته‌دیگ سیب‌زمینی به خواهر و برادر؛
یعنی تقسیم کردن گل هندوانه‌ای که از دیدنش دهانت آب می‌افتد؛
یعنی دادن صندلی در اتوبوس به پیرمرد و پیرزن و انسان‌های بیمار
یا خسته؛

یعنی بخشیدن چند تا از کارت‌های بازی‌ات به دوستان و رفقا؛
یعنی تقسیم کردن خوراکی‌هایمان با هم‌کلاسی‌ها.
شاید برایتان جالب باشد که امام سجاد علیه السلام از برخی خوراکی‌هایی که
خودشان دوست داشتند، می‌گذشتند و به بقیه انفاق می‌کردند. وقتی که
علت این کار را از حضرت می‌پرسیدند، ایشان همین آیه را تلاوت می‌کردند
که: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲.

خلاصه اینکه اگر از چیزهای کوچک گذشتیم، بعداً خواهیم توانست از
چیزهای بزرگ‌تر هم دل بکنیم.

در خاطرات شهید «مهدی زین‌الدین» آمده است:

گوشه پاکت‌نامه‌ای از جیب این فرمانده بیرون زده بود. یکی از
دوستانش از او می‌پرسد: «حاج مهدی، خیر باشه! نامه برات
اومده؟!»

آقامهدی ابتدا نمی‌خواست چیزی بگوید، اما وقتی اصرار کردم،
گفت: «دخترم تازه به دنیا اومده؛ عکسش رو برام فرستادن،
ولی من هنوز باز نکردم!»

۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده
شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۸۹.



با تعجب نگاهش کردم. انگار فهمید چه می‌خواهم بگویم. آرام ادامه داد: «می‌ترسم محبتش دست‌وپام رو شُل کنه... و نتونم تا عملیات توی جبهه بمونم!»^۱

یعنی چی؟! یعنی اگر من به این عکس نگاه کنم، ممکن است دلتنگ او شوم و برای دیدنش برگردم؛ درحالی‌که الآن در جبهه به من نیاز دارند و من از این دوست‌داشتنی خود می‌گذرم!

این یعنی گذشتن از چیزهای دوست‌داشتنی بزرگ. شادی روح همه شهدا، مخصوصاً شهید زین‌الدین بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



کدام یک از شما رفقا می‌تواند خلاصه‌وار بگوید که امروز چه گفتیم؟^۲

احسنت به شما تیزهوشان عزیز! امروز به دومین ویژگی قهرمانان واقعی اشاره کردیم و گفتیم نیکوکاران از آنچه دوست دارند، انفاق می‌کنند و راه دل‌کندن از دوست‌داشتنی‌های بزرگ این است که از همین الآن تمرین کنیم و از دوست‌داشتنی‌های کوچک بگذریم.

۱. برشی از کتاب «تو که آن بالا نشستی»، ص ۳۹-۴۰.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.



برای اینکه از همین الآن تمرین کنیم، بیایید نگاهی به لوازم التحریرهایی که داریم بیندازیم و اگر چیز اضافه‌ای داریم، با اجازه پدر و مادرمان به کسی که ندارد، هدیه بدهیم.

علاوه بر این حتماً تحقیق کنید و از بزرگ‌ترها پرسید که داستان هدیه لباس عروسی در شب ازدواج حضرت زهرا علیها السلام چه بوده است و برای جلسه بعد بنویسید و با خود بیاورید.



در انتهای کلاس بیایید دست به دعا شویم:

خدایا! به حق این ماه عزیز، به ما کمک کن تا بتوانیم از دوست‌داشتنی‌هایمان بگذریم؛ الهی آمین!

خدایا! به حق قرآن، به ما کمک کن تا همیشه قدردان پدران و مادران قهرمانمان باشیم؛ الهی آمین!

پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای علیه السلام سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!

شادی دل امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم السلام بلند صلوات بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾



سوژه‌های سخن



خاطره شهید



پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه سوم

باهم قوی‌تریم!

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا
تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾

سوره مائده، آیه ۲

و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری
نمایید، و یکدیگر را بر گناه و تجاوز یاری ندهید.



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَلَةِ إِنَّ أَمْرَهُ أَهْلَكَ
لَيْسَ لَهُ وُلْدٌ وَلَهُ وَاخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ
لَمْ يَكُنْ لَهَا وُلْدٌ فَإِنْ كَانَتْ أَنْثَىٰ فَلَهَا النُّثْلَانِ مِمَّا تَرَكَ
وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلَ حَظِّ الْأُنثَىٰ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ﴿٧٦﴾

سُورَةُ الْمَائِدَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ
إِلَّا مَا تَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنْ اللَّهُ
يُحْكُمُ مَا يَرِيدُ ﴿١﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْلُوا شَعِيرُ اللَّهِ
وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا أَمْثِينَ الْبَيْتِ
الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ
تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ
وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
آغاز سخن یاد خدا باید کرد خود را به امید او رها باید کرد
ای با تو شروع کارها زیباتر آغاز سخن، تو را صدا باید کرد
به نام خداوند بخشنده مهربان.

دوستان مهربان سلام. نه نشد دیگر! جواب سلام باید محکم و پرانرژی
باشد. دوستان مهربان سلام! رفقای پهلوان سلام! عزیزان قهرمان سلام!
سلام و صدها سلام به همه شما غیورمردان ایران زمین. امیدوارم که
حال دلتان خوب باشد و قرآنی. هر کس دوست دارد قهرمان آینده ایران
عزیزمان باشد، به افتخار خودش یک دست خوشگل بزند.^۱

قرار ما این بود که ابتدای کلاس‌هایمان را با قرآن شروع کنیم؛ پس تا
من بخشی از آیه ۲ سوره مائده را روی تابلو می‌نویسم، شما هم لطف کنید
و یک صلوات قرآنی بفرستید.^۲

۱. اگر مریبان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را
جایگزین آن کنند.

۲. مریبان گرامی توجه داشته باشند ایدئال این است که متریبان، آیات روزانه را

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ»

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ»

خب برویم سراغ همخوانی آیه. من اول می خوانم و شما بعد از من

تکرار کنید:

– «وَتَعَاوَنُوا»

– «عَلَى الْبِرِّ»

– «والتَّقْوَى»

– «وَلَا تَعَاوَنُوا»

– «عَلَى الْإِثْمِ»

– «وَالْعُدْوَانِ»

چون آیه مهمی است، یک بار دیگر تکرار می کنیم:

– «وَتَعَاوَنُوا»

– «عَلَى الْبِرِّ»

– «والتَّقْوَى»

– «وَلَا تَعَاوَنُوا»

– «عَلَى الْإِثْمِ»

– «وَالْعُدْوَانِ»

هر کس دوست دارد حافظ کل قرآن شود، بلند صلوات بفرستد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

شروع با داستان وارہ



فرض کنید یک ماشین در خیابان خراب شده و شما می بینید که یک بنده خدایی احتیاج به کمک دارد. شما احساس مسئولیت می کنید و برای کمک به او سریع پشت ماشین می روید و شروع می کنید به هل دادن. هم زمان دوست شما از آن طرف خیابان این صحنه را می بیند و او نیز احساس مسئولیت می کند؛ ولی به جای اینکه به سمت شما بیاید، جلوی ماشین می رود و ماشین را برعکس شما هل می دهد!

درست است که هر دو نفرتان احساس مسئولیت کردید و قصد کمک داشتید، اما خداوکیلی آیا به راننده کمکی کرده اید یا خیر؟! مطمئناً هیچ کمکی به راننده نشده است. خب ایراد کار کجاست؟

اصل اینکه هر دو نفر برای کمک آمده اید بسیار باارزش است، اما ایراد این جاست که هرکدام به تنهایی قصد کمک داشتید. گاهی برای اینکه کاری نتیجه مطلوب داشته باشد، باید با کمک همدیگر کار را انجام داد. وقتی هماهنگی در کار نباشد، یک نفر از جلو ماشین را هل می دهد و یک نفر از عقب. اما اگر هماهنگی بین افراد باشد و به قول معروف، کار جمعی انجام گیرد و هر دو نفر از یک طرف و هماهنگ شروع به هل دادن ماشین کنند، قطعاً نتیجه بهتری به دست خواهد آمد. همه می دانیم که اثر کار جمعی خیلی بیشتر از کار فردی است.



ببینید بچه‌ها! یک روزی مارادونا و پله و... از بهترین‌های فوتبال جهان بودند که یک‌تنه باعث قهرمانی و برنده شدن تیمشان بودند؛ اما حالا دیگر همه چیز عوض شده است. ما از دوران تک‌روی و فردگرایی عبور کرده‌ایم. الآن قهرمان واقعی، کسی است که در کار تیمی بدرخشد؛ نه به صورت فردی. الآن بهترین بازیکن کسی است که اهل کار گروهی باشد و با بقیه همکاری کند. دوستان و قهرمانان آینده ایران زمین! این مثال برای دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم هم درست است؛ چراکه دنیا را به تنهایی نمی‌شود عوض کرد؛ اما با یک تیم خوب، هر کاری شدنی است.

بچه‌ها بیایید با کمک همدیگر یک آزمایش انجام بدهیم:

اول باید با یک انگشت به مدت ۳۰ ثانیه شروع کنید به دست زدن.

حالا ۲۰ ثانیه با دو انگشت دست بزنید؛

حالا ۱۰ ثانیه با سه انگشت دست بزنید؛

حالا ۵ ثانیه با چهار انگشت دست بزنید؛

حالا صفر ثانیه با ۵ انگشت دست بزنید؛

ای بابا! چرا دست زدید؟! صفر ثانیه گفتم!

خب ایرادی ندارد. حالا یک دقیقه به این سبکی که می‌گوییم باید دست

بزنید. لطفاً با دقت انجام بدهید.

همگی دست راست خودتان را داخل جیب بگذارید. اگر جیب هم

ندارید، دست راست را زیر پای خود بگذارید؛ یعنی به هیچ‌عنوان نباید از

درست راست استفاده کنید.

حالا همگی با هم یک دقیقه با دست چپ خود دست بزنید!

ای بابا! چی شد؟! چرا دست نمی‌زنید؟! مگر قرار نشد یک دقیقه دست

بزنید؟! چرا من صدایی نمی‌شنوم؟!

بسیار ممنونم از حضور گرم و فعال همه شما عزیزان باحال در این آزمایش علمی!

دو تا ضرب‌المثل تاریخی را می‌توان از این آزمایش نتیجه گرفت. چه کسی می‌تواند بگوید این ضرب‌المثل‌ها چیست؟^۱
اولین ضرب‌المثل که خیلی معروف است، ضرب‌المثل «یک دست صدا ندارد!» است.

اما دومین ضرب‌المثل کمی توجه و دقت نیاز دارد. همه شنیده‌ایم که «سنگ بزرگ نشانه...» چیست؟^۲

نه خیر! الآن در این آزمایش یاد گرفتیم که سنگ بزرگ نشانه نزدن نیست؛ بلکه نشانه این است که باید از دیگران کمک بگیریم. ما در این آزمایش امتحان کردیم که اگر با یک انگشت دست بزنیم، صدای کمتری دارد تا دست‌زدن با چهار انگشت.

اگر شما بخواهید به تنهایی یک میز بزرگ را جابه‌جا کنید، یا نخواهید توانست یا فشار زیادی به شما خواهد آمد؛ اما اگر همین میز را چند نفری جابه‌جا کنید، بسیار راحت و آسان خواهد بود.

خلاصه اینکه کار جمعی، اثرگذاری بیشتری دارد و ما باید اهل کار جمعی باشیم.

حالا یک سؤال مهم:

به نظر شما آیا ما باید در همه کارها اهل کار جمعی باشیم و باهم همکاری کنیم؟^۳

۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.
۲. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.
۳. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

آفرین به شما عزیزان دل! در دو قسمت می‌توانیم همکاری داشته باشیم:

۱. همکاری در کارهای ارزشمندی که خداوند دوست دارد.

۲. همکاری در کارهای بی‌ارزش و زشت!

در آیه‌ای که امروز خواندیم، خداوند درباره همین موضوع سخن گفته

و فرموده:

﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى﴾؛ یعنی مؤمنان باید در کارهای پسندیده،

خوب و ارزشمند با همدیگر همکاری کنند.

بعد ادامه می‌دهد:

﴿وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾؛ یعنی در کارهای زشت و ناپسند نباید

همکاری کنند.



قبل از اینکه چند تا مثال هم بزنیم، بیاید یک بار دیگر این آیه زیبا را با هم

بخوانیم. مثل همیشه من می‌خوانم و شما بعد از من تکرار می‌کنید.

– ﴿وَتَعَاوَنُوا﴾

– ﴿عَلَى الْبِرِّ﴾

– ﴿وَالْتَّقْوَى﴾

مجدداً همین قسمت را تکرار کنیم.

– ﴿وَتَعَاوَنُوا﴾

– ﴿عَلَى الْبِرِّ﴾

– ﴿وَالْتَّقْوَى﴾

حالا ادامه‌اش:

– ﴿وَلَا تَعَاوَنُوا﴾

- «عَلَى الْإِثْمِ»

- «وَالْعُدُونِ»

حالا من چند تا کار را نام می‌برم و شما باید بگویید که همکاری در این کارها خوب است یا بد است.

هر کدام که خوب بود را باید به صورت هماهنگ بگویید: «خوبه، خوبه، عالی».

ورزش کردن	خوبه، خوبه، عالی
بازی زیاد کامپیوتری	بده، بده، داغونه
دنبال گربه‌ها دویدن	بده، بده، داغونه
راه اندازی هیئت	خوبه، خوبه، عالی
جشن عاطفه‌ها	خوبه، خوبه، عالی
زنگ خانه‌ها را زدن و فرار کردن	بده، بده، داغونه
خرید لوازم التحریر برای فقرا	خوبه، خوبه، عالی
شکستن شیشه‌خانه‌ها	بده، بده، داغونه
دست انداختن کوچک‌ترها	بده، بده، داغونه
پخش کردن قرآن در مسجد	خوبه، خوبه، عالی
شرکت در راه‌پیمایی	خوبه، خوبه، عالی
دعا کردن	بده، بده، داغونه

حالا به افتخار همه گروه‌هایی که برای کارهای ارزشمند و خداپسندانه و به فرموده قرآن به خاطر «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» دور هم جمع می‌شوند، یک دست خوشگل بزنید!

همان طور که قبلاً هم گفتیم ایران عزیز ما به معنای واقعی کلمه

۱. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

«سرمزمین قهرمانان» است. این سرمزمین، قهرمانانی دارد به وسعت تاریخ که یکی از نمونه‌های آن قهرمانان دفاع مقدس یا همان جنگ هشت ساله است.

احتمالاً اسم شهید «حسن باقری» را شنیده‌اید.^۱ حسن آقای باقری یکی از نخبه‌ها و از مغزهای متفکر زمان جنگ بوده است. فیلم زندگی این شهید عزیز هم چند سال پیش به اسم «آخرین روزهای زمستان» ساخته شد. یکی از کارهای اصلی حسن آقای باقری این بود که در آن فضای جنگ، بر اساس آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» ظرفیت‌های مختلف را به همدیگر وصل می‌کرد؛ این لشکر به آن لشکر، سپاه با ارتش، این گردان با آن گردان. وقتی این اتفاق افتاد، پیروزی‌های متعدد برای جبهه اسلام رقم خورد. اصلاً پیروزی در عملیات‌های مختلف حاصل همین همکاری‌های جمعی بود. مثلاً در فتح خرمشهر یا شکستن حصر آبادان^۲ اگر این کار جمعی صورت نمی‌گرفت، آیا امکان چنین پیروزی‌هایی وجود داشت؟! قطعاً خیر! در واقع اگر کار جمعی الهی نبود، هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. یا مثلاً شهید «سید محمود افتخاری»^۳ که واقعاً یکی از نمونه‌های بارز عمل به این آیه بود. در خاطرات این شهید آمده است:

یک تعاونی بزرگ راه انداخته بود، اما نه تعاونی اقتصادی، بلکه یک تعاونی بزرگ فرهنگی. مدیر مدرسه بود، اما همه‌کاری می‌کرد. مانند یک فرمانده، نیروهای فرهنگی را در مدرسه و محله، سروسامان داده بود. چندین دانش‌آموز پانزده‌ساله، با کمک‌های فکری او شروع به فعالیت در مسجد کرده بودند و

۱. چه زیباست که عکس شهید نیز به نمایش گذاشته شود.
۲. مربی می‌تواند در صورت داشتن زمان، اشاره‌ای به این پیروزی‌ها داشته باشد.
۳. نمایش دادن عکس شهدا هنگام معرفی، علاوه بر جذابیت بالا، بر اثرگذاری مطالب نیز می‌افزاید.



مجموعه‌های فرهنگی را مدیریت می‌کردند! صدها دانش‌آموز بی‌تفاوت را به افراد مؤمن، انقلابی و کاردان تبدیل کرده بود. آخر کار هم در کنار دانش‌آموزانش در عملیات خیبر به شهادت رسید. حالا شادی روح همه شهدا مخصوصاً شهدای دفاع مقدس و به خصوص این دو شهید عزیزی که از آن‌ها نام بردیم، یعنی شهید «حسن باقری» و شهید «سید محمود افتخاری» بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

جمع‌بندی

خلاصه و در یک کلام: ما باید اهل کار جمعی باشیم؛ چراکه یک دست صدا ندارد. اما این کار جمعی بر اساس آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» باید حول محور الهی باشد و در مقابل، از جمع‌هایی که گناه در آن می‌شود، دوری کنیم.

عهد با ائمه

ما نیز برای عمل به این آیه می‌توانیم نسبت به کارهای خوبی که در اطرافمان انجام می‌شود، بی‌تفاوت نباشیم.

وقتی می‌بینیم عده‌ای برای تهیه لوازم التحریر یا موارد ضروری دیگر پول جمع می‌کنند، وظیفه خود بدانیم که آنها را همراهی کنیم. یا همگی دست‌به‌دست هم بدهیم و از مردم مظلوم غزه حمایت کنیم؛ گاهی با کمک‌های مالی، گاهی با دعا کردن، گاهی با نقاشی‌های زیبا و... البته یادمان نرود که از جمع‌هایی که اهل غیبت و دروغ هستند هم باید دوری کنیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا شویم.

خدایا! به حق این ماه عزیز، ما را از حامیان جبهه مقاومت قرار بده؛
 الهی آمین!

خدایا! به حق قرآن، به ما کمک کن تا از جمع‌هایی که خدا نمی‌پسندد،
 دوری کنیم؛ الهی آمین!

پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای عنه‌السلام سلامتی و طول
 عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!

شادی دل حضرت ام‌البنین عنه‌السلام و پسرشان ماه منیر بنی‌هاشم، حضرت
 ابوالفضل عنه‌السلام بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



جلسه چهارم

رسمِ بزرگی!

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾

سوره اعراف، آیه ۱۹۹

پیامبر! در برخورد با مردم از حقوق شخصیات
بگذر و به کارهای پسندیده دعوت کن و به نادانها
بیاعتنا باش.



سُورَةُ الْأَعْرَافِ

إِنَّ وَحْيَ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ
 ﴿١٩٦﴾ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصَرَكُمْ
 وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ ﴿١٩٧﴾ وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا
 وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ﴿١٩٨﴾ خُذِ الْعَفْوَ
 وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ ﴿١٩٩﴾ وَإِنَّمَا يَنْزَعُكَ
 مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٢٠٠﴾ إِنَّ
 الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَافٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا
 فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ ﴿٢٠١﴾ وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّونَهُمْ فِي الْغِيْثِ ثُمَّ
 لَا يُقْصِرُونَ ﴿٢٠٢﴾ وَإِذْ أَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا
 قُلْ إِنَّمَا اتَّبَعْتُ مَا نُوحِيَ إِلَيَّ مِنْ رَبِّيَ هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ
 وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٢٠٣﴾ وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ
 فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٢٠٤﴾ وَأَذْكُرُّ بِكَ
 فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ
 وَالْآصَالِ وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ ﴿٢٠٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ
 لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ ﴿٢٠٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.

به نام والی والا قسم به نام علی علیه السلام

علی امام من است و منم غلام علی علیه السلام

شمس جمال بزرگ‌مرد عالم هستی، آقا جانمان حضرت امیرالمؤمنین

علی بن ابی‌طالب علیه السلام بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

غیورمردان ایران زمین و عزیزان دوست داشتنی! سلام. امیدوارم که

حال دلتان همیشه خوب باشد و قرآنی.

به رسم قراری که گذاشتیم، سراغ هم خوانی آیه مدّ نظرمان می‌رویم.

قسمتی که قرار است بخوانیم،^۱ بخشی از آیه ۱۹۹ سوره اعراف است که

خداوند رسم بزرگی و بزرگواری را در این آیه به ما نشان می‌دهد. خدای

مهربان در این آیه می‌فرماید:

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که ایدئال این است که مترجمان، آیات روزانه را

تلوات کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مریب قرائت کند و به هر دلیلی اگر مریب

نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾^۱

مثل همیشه من اول می خوانم و شما بعد از من تکرار می کنید:

– ﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾

– ﴿وَأْمُرْ﴾

– ﴿بِالْعُرْفِ﴾

یک بار دیگر قشنگ تر جواب بدهید:

– ﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾

– ﴿وَأْمُرْ﴾

– ﴿بِالْعُرْفِ﴾

چون می خواهیم رسم بزرگی را از این آیه یاد بگیریم، پس یک بار دیگر

می گوییم:

– ﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾

– ﴿وَأْمُرْ﴾

– ﴿بِالْعُرْفِ﴾



احتمالاً در بازی هایی که با دوستانتان می کنید، این جمله را شنیده باشید

که وقتی کسی برای برهم زدن بازی می آید، شما می گوئید: «چه خبره؟! مگه قانون جنگله که هر کی هر کاری خواست بکنه؟!»

اما یک سؤال: چرا قانون جنگل؟! مگر قانون جنگل چگونه است؟!^۲

همان طور که می دانید، قانون جنگل یعنی قانونی که هر کس زور

۱. مربی باید آیه را با خط بزرگ روی تابلو بنویسد.

۲. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث پردازند.

بیشتری دارد، می‌تواند به دیگران زور بگوید. به عبارت دیگر: قانون جنگل یعنی بی‌قانونی! یعنی هر کس هر طوری که دوست دارد، رفتار کند! یعنی چون شیر سلطان جنگل است و احتمالاً زورش از همه بیشتر است، پس می‌تواند هر حیوانی را که دوست دارد بخورد؛ یا روباه‌ها به خرگوش‌ها زور بگویند و گرگ‌ها به روباه‌ها؛ یا ببر به گرگ زور بگوید و شیر هم به ببر. الان این شد قانون؟! به نظر شما آیا این قانون خوبی است؟! قطعاً خیر! حالا بفرمایید که اگر این قانون بین انسان‌ها بود، چه می‌شد؟^۱

ارائه محتوا

همان‌طور که گفتید، این قانون به هیچ‌عنوان خوب نیست؛ چراکه اگر این‌طور بود، هر کس که زور بیشتری داشت، به دیگری زور می‌گفت و کسی هم نبود که از مظلوم دفاع کند. پس قانون جنگل قانون خوبی نیست؛ اما چه قانونی خوب است؟! برای اینکه بفهمیم کدام قانون بهتر است، باید بدانیم چند نوع قانون داریم.

انواع قانون

۱. قانون حیوانی (همان قانون جنگل)

در این قانون همان‌طور که گفتیم، هر کس هر کاری دوست دارد، انجام می‌دهد. البته نباید فراموش کنیم که قانون جنگل بسیار هم قانون خوبی است؛ البته برای خود حیوانات؛ چراکه خدای مهربان سبک زندگی حیوانات را بر همین اساس برنامه‌ریزی کرده و اگر این سبک زندگی برای آن‌ها نباشد، چرخه زندگی و حیات حیوانات به هم می‌ریزد.

پس چه زمانی این قانون خوب نیست؟ زمانی که بخواهیم قانون جنگل را برای غیرحیوانات استفاده کنیم.

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

۲. قانون انسانی

به نظر شما قانون انسانی به چه قانونی گفته می‌شود؟^۱
احسنت به همگی. به قانون‌هایی که خود انسان‌ها برای خودشان درست کرده‌اند، «قانون انسانی» می‌گویند؛ مثل قوانین راهنمایی و رانندگی که در آن، چراغ قرمز به معنای اعلام خطر است و ماشین‌ها باید بایستند؛ یا چراغ سبز به معنای اعلام آزادباش است و ماشین‌ها می‌توانند حرکت کنند. یا هزاران قانون دیگر که ما انسان‌ها برای ایجاد نظم و انضباط وضع کرده‌ایم. همه می‌دانیم که این قوانین انسانی خیلی خوب است، اما کافی نیست؛ چراکه گاهی بعضی انسان‌ها برخی از قوانین را به نفع خودشان می‌نویسند! مثل چی؟^۲

مثل قوانینی که در بعضی سازمان‌های جهانی به نفع قدرتمندان و البته به ضرر کشورهای دیگر تصویب می‌شود. تحریم‌هایی که آمریکای اسرائیلی علیه ایران وضع کرده، از این جور قوانین است.

اما قبل از اینکه از بهترین قانون عالم صحبت کنیم، بیایید همگی باهم مشتهایمان را گره کنیم و اعتراضمان را به گوش عالمیان برسانیم و بگوییم: «ای آمریکا، مرگت باد!» بلند بگو:

مرگ بر آمریکا!

نه نشد دیگر!

بلند بگو: مرگ بر آمریکا!

بلندتر بگو: مرگ بر آمریکا!

با عشق بگو: مرگ بر آمریکا!

محکم بگو: مرگ بر آمریکا!

۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شده، از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

۲. مشارکت‌گیری فراموش نشود.

سریع بگو: مرگ بر آمریکا!

بازهم بگو: مرگ بر آمریکا!

حالا به افتخار خودتان یک دست خوشگل بزنید.^۱

اما برویم سراغ سومین نوع قانون که بهترین نوع قوانین است.

۳. قانون خدایی

این قوانین را خدای مهربان برای انسان‌ها فرستاده و به نفع همه ما انسان‌هاست. در قانون خدایی نه تنها باید از حق خودت دفاع کنی، بلکه باید حقوق دیگران و حتی حیوانات را هم رعایت کنی.

یکی از قانون‌های خدا که در قرآن آمده و رسم بزرگان است، بحث گذشت و انعطاف‌پذیری است. خداوند در این آیه ۱۹۹ سوره اعراف می‌فرماید:

﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾



برای اینکه ترجمه این آیه را متوجه شویم، باید رمز جدولی را که می‌کشم، کشف کنید.

ر	ک	ش	ع
م	ا	ه	ف
ا	ر	ک	و
ن	ن	ن	ر
د	ی	و	ا
ه	ک	ب	پ
*	ف	ه	ی

۱. اگر مریبان گرمی فضا را برای دست زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

جدول ما به این صورت است که باید اولین حرف «ع» را بنویسیم و بعد ۴ تا ۴ تا بشماریم تا رمز جدول معلوم شود. هر کس زودتر جواب را به دست آورد، باید دست بلند کند تا حق دیگری ضایع نشود. من جدول را می‌کشم و شما باید سریع شروع کنید به شمارش و پیدا کردن رمز. البته حواستان باشد که خانه ستاره‌دار شمارش نمی‌شود.

خب، رمز جدول ما که همان ترجمه آیه است، چه شد؟^۱
احسنت! خداوند در این آیه می‌فرماید: «عفو را پیشه کن و به کار نیک فرمان ده».

دیروز گفتیم که بر اساس آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» ما باید اهل کار گروهی باشیم؛ اما در این مسیر باید به چند نکته و اصل هم توجه داشته باشیم و حواسمان به آن‌ها باشد؛ چراکه شیطان در کمین ما انسان‌ها نشسته تا این جمع‌های خدایی را نابود کند. خداوند می‌فرماید:
«خُذِ الْعَفْوَ»؛ عفو و گذشت را پیشه راه خود قرار بده.

یکی از ارزش‌های مهم جامعه اسلامی یا همان «سرزمین قهرمانان» که باعث اتحاد و همدلی و رفاقت و پیروزی جامعه می‌شود و دل‌های افراد را به یکدیگر نزدیک می‌کند، همین موضوعی است که این آیه از آن صحبت می‌کند. البته در بین مردم، این موضوع با عنوان «مردم‌داری» شناخته می‌شود. حالا شما بفرمایید که مردم‌داری بر اساس این آیه به چه معناست؟^۲

«مردم‌داری» به این معناست که همه افراد جامعه، همه کسانی که دوست دارند قهرمان سرزمینشان باشند، همه کسانی که به دنبال ساختن سرزمین قهرمانان هستند، باید به فکر یکدیگر باشند و همدیگر را از صمیم قلب دوست داشته باشند. به همین خاطر، خدای مهربان در این قسمت از آیه به دو ویژگی مهم اشاره می‌کند:

۱. تشویق فراموش نشود.
۲. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند و سپس به ادامه بحث بپردازند.

۱. ﴿حُذِ الْعَفْوَ﴾: عفو و بخشش

ممکن است در میان افراد جامعه کسانی باشند که به انسان بدی کرده‌اند و چه بسا پشیمان هم شده‌اند. در این صورت، ویژگی عفو و بخشش باعث انتشار مهربانی در جامعه می‌شود و دل‌ها را به هم نزدیک می‌کند. در مقابل این ویژگی سخت‌گیری و نپذیرفتن عذر خطاکار باعث دور شدن دل‌ها از یکدیگر می‌شود و جامعه هرگز به سوی سرزمین قهرمانی حرکت نمی‌کند.

۲. ﴿وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾: دعوت مردم به خوبی‌ها

یکی دیگر از ویژگی‌های قهرمانان واقعی که قرآن بر آن تأکید کرده، ویژگی دعوت مردم به خوبی‌هاست. اگر همه افراد جامعه، خود را موظف به دعوت دیگران به کارهای خوب بدانند، خوبی در جامعه انتشار می‌یابد و همگان به یکدیگر خوبی می‌کنند و در نتیجه، فضای جامعه فضایی دلپذیر می‌شود و زندگی در چنین فضایی بسیار لذت‌بخش است، و قطعاً چنین جامعه‌ای بیشترین تناسب را با سرزمین قهرمانان خواهد داشت.

ببینید بچه‌ها! گاهی در طول زندگی با آدم‌هایی مواجه می‌شویم که ما را اذیت می‌کنند؛ زور می‌گویند؛ وسایل ما را برمی‌دارند؛ مسخره می‌کنند و اصلاً شبیه قانون جنگل رفتار می‌کنند. در این حالت‌ها خیلی دوست داریم که آن‌ها را بزنیم و بچرانیم و انتقام بگیریم و به قول معروف، حقشان را کف دستشان بگذاریم! اما این آیه چه می‌فرماید؟ می‌فرماید: مگر قرار نبود که یک گروه خدایی درست کنید؟! خب هرچه این گروه بزرگ‌تر باشد، بهتر است دیگر. پس ﴿حُذِ الْعَفْوَ﴾: عفو را پیشه کن؛ یعنی آن کاری که الآن باید انجام دهی، گذشت است، نه انتقام. می‌فرماید: می‌خواهی بدانی برنده واقعی در این حالت چه کسی است؟ کسی که بتواند انتقام بگیرد، ولی گذشت کند و ببخشد.

علامه طباطبایی علیه السلام یکی از عرفا و بزرگان دین ماست. ایشان در این باره می‌فرماید:

«همیشه بدی‌هایی را که دیگران در حقت می‌کنند، نادیده بگیر و از اینکه بخواهی انتقام بگیری، خودداری کن».

البته معلوم است که ما باید مقابل دشمنان، از حقمان دفاع کنیم؛ اما میان دوستان چه؟ قرآن می‌فرماید: در بین دوستان **«خُذِ الْعَفْوَ»**.

اصلاً شجاع، کسی است که بتواند بزند، ولی نزند! خداوند رحمت کند شهید غیور مرد ایران زمین یعنی «محمد بروجردی» را! نقل می‌کنند:

صدای دعوا بلند شده بود. محمد بروجردی که فرمانده بود، بیرون آمد. گفتند: این سرباز تازه از مرخصی برگشته، ولی دوباره تقاضای مرخصی دارد. شهید بروجردی گفت: «پسر جان! تو تازه از مرخصی آمده‌ای؛ نمی‌شود که دوباره بروی!» یک دفعه سرباز عصبانی شد و سیلی محکمی به فرمانده زد! شهید بروجردی که فرمانده بود و می‌توانست او را درست و حسابی تنبیه کند، اما چون اهل عمل به قرآن بود، این کار را نکرد. ایشان خنده‌ای کرد و آن طرف صورتش را جلو برد و گفت: «دست سنگینی داری پسر! یکی هم این طرف بزن که میزان بشود!» بعد او را داخل اتاق خودش برد.

سرباز که شرمنده شده بود، شروع کرد به توضیح دادن. شهید بروجردی گفت: «بخشید، نمی‌دانستم این قدر ضروری است. می‌گویم سه روز مرخصی برایت بنویسند».

سرباز وقتی چنین رفتاری را دید، به گریه افتاد و حتی به مرخصی هم نرفت. بعد همان سرباز می‌شود راننده شهید بروجردی و

۱. چه زیباست که هنگام نام‌بردن از شهید، عکس او نیز نشان داده شود.

پس از مدتی هم به شهادت می‌رسد؛ یعنی قبل از اینکه به
مرخصی برود!

دیدید بچه‌ها؟! این کار شهید بروجردی یعنی عمل کردن به همان آیه
﴿خُذِ الْعَفْوَ﴾!

حالا شادی روح این شهید عزیز بلند صلوات بفرستید.
﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾



کدام یک از شما دوستان عزیز می‌تواند خلاصه وار بگوید که امروز چه گفتیم؟^۲
ممنون از همگی.

بحث امروز را با موضوع «قانون جنگل» شروع کردیم و گفتیم: ما سه
نوع قانون داریم: ۱. قانون جنگل؛ ۲. قانون انسانی؛ ۳. قانون خدایی، که
بهترین نوع قانون است.

در ادامه، به یکی از این قوانین الهی اشاره کردیم و گفتیم: یکی از بهترین
قوانین خدای مهربان که رسم بزرگی هم هست، عفو و گذشت است؛ چراکه
خداوند می‌فرماید: ﴿خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ﴾.

۱. در صورت داشتن زمان می‌توان داستانی «کازم عبدالأمیر» و حاج آقای ابوترابی را
نیز نقل کرد.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود و سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

عهد باقریه

بیاید ما هم مثل شهید بروجردی اهل عمل به آیه شویم. برای این کار، کافی است همین الآن چشم‌هایمان را ببندیم و حداقل یک نفر از دوستانمان را که قبلاً ما را ناراحت کرده، یا غیبت ما را کرده، یا مسخره کرده و... ببخشیم. درضمن، علاوه بر اینکه می‌توانیم در کل زندگی مان از افراد جاهل و بی‌ادب دوری کنیم، باید در جمع‌های خانوادگی و دوستانه رفتارهای خدایسندانه را هم ترویج دهیم؛ مثل احترام به بزرگ‌ترها، کمک به نیازمندان، بوسیدن دست والدین و...

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیاید دست به دعا برداریم:
 خدایا! به حق این ماه عزیز، ما را از عمل‌کنندگان به این آیه قرار بده؛
 الهی آمین!
 خدایا! به حق قرآن، به ما توفیق پیروی از قوانین الهی را عنایت بفرما؛
 الهی آمین!
 پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای علیه السلام سلامتی و طول
 عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
 شادی دل امام سجاد و امام باقر علیهما السلام بلند صلوات بفرستید.
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



جلسه پنجم

اشکالی بزرگ!

﴿وَلَا تَنْزَعُوا فِتْمَشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ﴾

سوره انفال، آیه ۴۶

در شرایط جنگی مطیع محض خدا و رسول باشید
(و) با هم جرّ و بحث نکنید که روحیه‌تان را می‌بازید و
نیرویتان تحلیل می‌رود! به جای آن، مقاومت کنید
که خدا در کنار اهل صبر است.



سُورَةُ الْأَنْفَالِ

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ
 رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿٤٦﴾ وَلَا تَكُونُوا
 كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ
 عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ﴿٤٧﴾ وَإِذْ رَيْنَ
 لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ أَيُّومَ مِنَ
 النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَّكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتْ الْفِئْتَانِ نَكَصَ
 عَلَى عَقْبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا
 تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٤٨﴾ إِذْ يَقُولُ
 الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ
 وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٤٩﴾ وَلَوْ
 تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ
 وُجُوهَهُمْ وَأَدْبُرَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ذَلِكَ
 بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٥١﴾
 كَذَّابٌ أَلْ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ
 فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٥٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
به نام او که یار کودکان است به نام او که خیلی مهربان است
خدای خوب و قدرتمند و زیبا همان که خالق کل جهان است
بچه‌های عزیز و دوست‌داشتنی! سلام. سلام به شما عزیزانی که
غیورمردان آینده ایران زمین یا همان «سرزمین قهرمانان» هستید. الهی
که حال دلتان همیشه خوب باشد و قرآنی.
به رسم همیشه، سریع می‌رویم سراغ هم‌خوانی.^۱ قسمتی که امروز
می‌خواهیم هم‌خوانی کنیم، بخشی از آیه ۴۶ سوره انفال است. خداوند
در این آیه یک اشکال بزرگ را به ما گوشزد می‌کند.
تا من آیه را روی تابلو می‌نویسم، شما هم لطف کنید و یک صلوات
قرآنی زیبا بفرستید.

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند ایدئال این است که مترجمان، آیات روزانه را تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ»
خب مثل قبل، من اول می خوانم و شما پس از من تکرار کنید:

﴿وَ﴾ -

﴿لَا﴾ -

﴿تَتَرَعَّوْا﴾ -

﴿فَتَفَسَّلُوا﴾ -

یک بار دیگر بلندتر بگویید:

﴿وَ﴾ -

﴿لَا﴾ -

﴿تَتَرَعَّوْا﴾ -

﴿فَتَفَسَّلُوا﴾ -

حالا آرام تر بگویید:

﴿وَ﴾ -

﴿لَا﴾ -

﴿تَتَرَعَّوْا﴾ -

﴿فَتَفَسَّلُوا﴾ -

حالا با صدای معمولی بگویید:

﴿وَ﴾ -

﴿لَا﴾ -

﴿تَتَرَعَّوْا﴾ -

﴿فَتَفَسَّلُوا﴾ -

حالا سلامتی خودتان یک صلوات بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

شروع با جدول

دوستان عزیز! من یک جدول می‌کشم و شما باید هشت موردی را که می‌گویم، در آن پیدا کنید. این هشت مورد، خبر از یک اشکال بزرگ در زندگی ما انسان‌ها می‌دهد و می‌گوید: اگر کسی این اصل مورد نظر را رعایت نکند، دچار این هشت بلا می‌شود و این بدبختی‌ها بر سر او خواهد آمد!

ت	ا	ن	م	ک	خ	ذ	ج
ر	ز	ی	ا	ه	ن	ت	ت
ت	ب	ب	ن	خ	چ	ش	ی
ه	ی	ع	د	ت	ک	و	د
د	ن	د	ش	ل	ی	ل	ذ
ی	ر	م	ف	ا	ط	ز	ر
د	ف	ه	ی	ف	ا	ط	ش
د	ت	م	ع	ا	ش	ی	س
ش	ن	ک	ض	ت	ن	ب	ل
م	ع	ا	م	س	ی	ت	ا
ن	ز	ر	ت	ی	ب	ن	م
ا	ت	ی	ا	ا	چ	ک	ک
ن	ش	س	ب	س	ج	ح	ه
ض	ص	ث	ق	ی	ف	غ	ع



ت	ا	ن	م	ک	خ	ذ	ج
ر	ز	ی	ا	ه	ن	ت	ت
ت	ب	ب	ن	خ	چ	ش	ی
ه	ی	ع	د	ت	ک	و	د
د	ن	د	ش	ل	ی	ل	ذ
ی	ر	م	ف	ا	ط	ز	ر
د	ف	ه	ی	ف	ا	ط	ش
د	ت	م	ع	ا	ش	ی	س
ش	ن	ک	ض	ت	ن	ب	ل
م	ع	ا	م	س	ی	ت	ا
ن	ز	ر	ت	ی	ب	ن	م
ا	ت	ی	ا	ا	چ	ک	ک
ن	ش	س	ب	س	ج	ح	ه
ض	ص	ث	ق	ی	ف	غ	ع

من هم برای اینکه کمکی به شما عزیزان کرده باشم، ابتدا و انتهای این هشت مورد را می‌گویم و شما باید جای آن را پیدا کنید و خط بزنید.^۱

۱. ذ.....ن

۲. ا.....ت

۳. ض.....ن

۴. ع.....ی

۵. ب.....ی

۶. ا.....ی

۱. موارد گفته شده برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام است که در فیش‌های مرتبط با همین آیه موجود است.

۷. ت.....ن

۸. ت.....ی

احسنت به همه شما عزیزان بادقت! عباراتی که به دست آوردیم، این

هشت مورد شد:

۱. دلیل شدن؛
۲. ازبین رفتن عزت؛
۳. ضعیف شدن؛
۴. عدم همکاری؛
۵. بی‌نشاطی؛
۶. اختلافات سیاسی؛
۷. تهدید دشمنان؛
۸. تنهایی.

ارائه محتوا

همان‌طور که گفتیم، این هشت مورد، خبر بدی برای ما دارد و از یک اشکال بزرگ در زندگی ما انسان‌ها خبر می‌دهد. این هشت مورد، بلاهایی هستند که به خاطر رعایت نکردن یک اصل بر سر انسان می‌آید. به عبارت دیگر: اگر ما حواسمان به آن اصل نباشد، هرگز سرزمین قهرمانان نخواهیم داشت. حالا به نظر شما آن اصل چیست؟^۱

آفرین به کسانی که دقت خوبی دارند! برای اینکه ببینیم این اصل مهم چیست، باید سراغ آیه‌ای که اول جلسه خواندیم برویم. خداوند در آیه ۴۶ سوره انفال می‌فرماید:

۱. مریبان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث پردازند.

«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»؛ نزاع نکنید تا شکست نخورید! یعنی چی؟ یعنی اگر کسی اهل دعوا و درگیری با دوستان و آشنایان و هم‌گروهی‌هایش باشد، نه تنها در مسیر قهرمانی با شکست مواجه خواهد شد، بلکه به این هشت بلا هم گرفتار می‌شود.

ببینید بچه‌ها! ما هرگز به سمت قهرمانی حرکت نخواهیم کرد، مگر اینکه با یکدیگر دوست و رفیق و همراه باشیم. نمی‌شود که گروهی ادعای قهرمانی داشته باشند و در عین حال دائم با همدیگر در دعوا و نزاع باشند! تصور کنید در یک مسابقه قایق‌رانی شرکت کرده‌اید و همگی در یک قایق نشسته‌اید. همه به دنبال قهرمان شدن هستند و منتظر شروع مسابقه‌اند. همین که داور سوت شروع را می‌زند، هر کس به هر طرفی که دوست دارد، پارو می‌زند! چرا؟ چون بین آنها یک اختلافی به وجود آمده و همین باعث می‌شود که قایق از حرکت بازماند؛ هماهنگی‌ها از بین برود و در نهایت شکست را برای کل تیم به همراه داشته باشد. این مصداقی است برای آیه «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا».

حکایت بسیار جالب و البته درس‌آموزی از زندگی یک شیر خطرناک و سه‌گاو سفید و سیاه و زرد نقل کرده‌اند؛ حکایتی که شاید داستان زندگی روزمره برخی از ما انسان‌ها را روایت می‌کند.

در جنگلی سه‌گاو به خوبی و خوشی در کنار هم زندگی می‌کردند. در همان جنگل، شیر خطرناکی هم زندگی می‌کرد که آرزویش شکار این گاوهای خوشمزه بود! اما متأسفانه زور شیر به سه‌گاو نمی‌رسید. شاید بپرسید چرا؟ شیر که سلطان جنگل است! چون این سه‌گاو همیشه باهم بودند و وقتی شیر حمله می‌کرد، با شاخ و لگد به حساب شیر می‌رسیدند و شیر را فراری می‌دادند. شیر هم هر کاری می‌کرد، نمی‌توانست این سه‌گاو را شکار کند.





تا اینکه یک روز روباه حيله گری که شکست شیر از گاوها را دیده بود، سراغ شیررفت و گفت: می خواهی کمکت کنم تا گاوها را شکار کنی؟ شیر با خوشحالی گفت: مگر می توانی؟! روباه گفت: اگر قول بدهی که من راهم در گوشت گاوها شریک کنی، راه حل شکار آنها را به تو خواهم گفت. شیر هم قبول کرد و روباه نقشه اش را گفت. قبل از اینکه ادامه داستان را بگویم، شما بفرمایید: به نظر شما نقشه روباه برای شکستن قدرت گاوها چه بود؟^۱

خوب گوش کنید تا ببینید روباه با چه نقشه ای می خواهد گاوها را شکار کند. زور روباه مطمئناً از شیر کمتر است، پس با زور نمی تواند گاوها را شکار کند. به همین دلیل باید حيله و نقشه ای حسابی داشته باشد. خلاصه روباه از در دوستی با گاوها وارد شد و به آنها چراگاه های سرسبز و تازه ای را نشان می داد و گاوها هم لذت می بردند که هر روز روباه، چراگاه های خوب و تازه تری به آنها نشان می دهد. بالاخره پس از چند روز، روباه توانست اعتماد گاوها را به خودش جلب کند. دیگر هر چیزی که روباه می گفت، گاوها باور می کردند؛ بی خبر از آنکه...

گذشت و گذشت، تا اینکه روزی روباه، سراغ گاو سفید و زرد رفت و به آنها گفت: نگاه کنید! این گاو سیاه چقدر تندتند علفها را می خورد و برای شما چیزی نمی گذارد! اگر این گاو سیاه نباشد، سهم شما از این علفها خیلی بیشتر خواهد بود! گاو سفید و زرد نادان هم گفتند: راست می گویی، چقدر تندتند علفها را می خورد و برای ما چیزی باقی نمی گذارد! بعد شروع کردند با گاو سیاه مشاجره و دعواکردن.

۱. ابتدا مشارکت گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

در همین لحظه بود که روباه به آن دو گاو گفت: می‌خواهید کاری کنید که همه این علف‌های خوشمزه برای شما دو تا باشد؟ گاو سفید و زرد هم که با گاو سیاه دعوا کرده بودند و از او دلخور بودند، با خوشحالی گفتند: «بله، حتماً ای روباه مهربان! تو به ما بگو چه کنیم».

روباه که در پوست خودش نمی‌گنجید و نقشه خود را عملی می‌دانست، گفت: فردا که به جنگل و چراگاه آمدید، آرام آرام از گاو سیاه فاصله بگیرید. وقتی شما از گاو سیاه فاصله گرفتید، شیر سراغ گاو سیاه می‌رود و او را شکار می‌کند. آن‌ها نیز پذیرفتند. فردا داستان همان‌گونه شد که روباه خواسته بود. شیر حمله کرد و هرچه گاو سیاه از آن‌ها کمک خواست، فقط نگاه کردند تا شکار شیر شد! در مقابل، شیر و روباه هم تا مدتی حسابی از گوشت گاو سیاه می‌خوردند و لذت می‌بردند!

پس از مدتی گوشت گاو سیاه تمام شد و دوباره سروکله روباه پیدا شد؛ باز هم همان نقشه اما این بار برای گاو سفید. ای گاو سفید نگاه کن گاو زرد چقدر آب می‌خورد! فردا اگر گرما زیادتر شد و آب چشمه کم شد، دیگر آبی به تو نخواهد رسید! گاو سفید نادان هم گفت: راست می‌گویی، چقدر آب می‌خورد! دوباره دعوا و مشاجره و سروصدا شروع شد.

روباه هم از فرصت استفاده کرد و گفت: آیا دوست داری این چشمه و این چراگاه، فقط برای تو باشد؟ گاو سفید هم طمع کرد و گفت: چه خوب می‌شد اگر همه این چراگاه و چشمه برای خودم بود! روباه گفت: فردا که به چراگاه آمدی، به بهانه آب خوردن از گاو زرد فاصله بگیر و او را تنها بگذار و بقیه کار با من!

فردا نیز چنان شد که روباه می خواست. شیر به گاو زرد حمله برد و او را شکار کرد. گاو سفید هم فقط نگاه می کرد و در دلش خوشحال بود که چشمه و چراگاه دیگر فقط برای او شده است! اما همین که شیر و روباه گاو زرد را خوردند و تمام شد، سراغ گاو سفید آمدند. او در خیال باطل خود فکر کرد آن ها آمده اند تا به او سری بزنند یا تبریک بگویند که صاحب چشمه و چراگاه شده است! اما روباه گفت: ای گاو سفید! آمده ایم تا تو را شکار کنیم. در تمام این مدت، نقشه ما این بود که بین شما اختلاف بیندازیم و بعد یکی یکی و تنهایی گیر بیاوریم و شکار کنیم؛ چون تا زمانی که با هم بودید و اتحاد داشتید و کار گروهی می کردید، هیچ کس حتی شیر هم زورش به شما نمی رسید؛ ولی همین که شروع به دعوا کردید و همدیگر را تنها گذاشتید، زور شیر به شما رسید و تک تک شما را شکار کرد. حالا تو هم دیگر تنها شده ای و زورت به شیر نمی رسد و حالا نوبت توست تا مثل دیگر دوستانت، غذای لذیذ من و شیر باشی! به این ترتیب، گاو زرد هم شکار شد.

دوستان عزیزم! چه اتفاقی افتاد؟ چرا این بلا و سرنوشت بد، شامل حال گاوها شد؟ چرا به نظرتان؟^۱

احسنت به شما! بسیار واضح است که شکست گاوها زمانی اتفاق افتاد که شروع به دعوا و مشاجره کردند و اتحاد خود را از دست دادند و گول نقشه دشمن را خوردند.



خب نوبتی هم که باشد، نوبت به مسابقه می‌رسد. کلاس ما به دو گروه تقسیم می‌شود و از بین هر گروه، سه نفر به عنوان نماینده انتخاب خواهند شد. مسابقه به این صورت است که من جمله‌ای را می‌گویم و نماینده‌ها باید این جملات را بدون نقطه روی تابلو بنویسند. چون سه تا نماینده داریم، پس این مسابقه سه مرتبه تکرار می‌شود.

شرایط مسابقه هم به این صورت است که هر گروهی سریع‌تر نوشت و غلط کمتری داشت، برنده است. با شمارش من مسابقه شروع می‌شود:

۱، ۲، ۳، شروع:

«ما انسان‌ها نباید به حرف شیطان گوش بدهیم؛ چراکه شیطان دوست دارد بین انسان‌ها اختلاف ایجاد کند. کار شیطان ایجاد اختلاف و دودستگی بین مردم است؛ اما ما باید از اختلافات دوری کنیم».

حالا به افتخار خودتان و گروهتان یک دست خوشگل بزنید.^۱

اما قبل از اینکه جلسه امروزمان را هم به پایان برسانیم، بیایید به پیشنهاد جالب شهید «حسن باقری» گوش بدهیم که دو جلسه پیش از او صحبت کردیم. در خاطرات این شهید عزیز آمده است:

اگر بین بسیجی‌ها حرفی می‌شد، می‌گفت: برای این حرف‌ها به همدیگر تهمت نزنید. این تهمت‌ها فردا باعث تهمت‌های بزرگ‌تر می‌شود. اگر از دست هم ناراحت شدید، دورکعت نماز بخوانید و بگویید: «خدایا! این بنده تو حواسش نبود، من از او گذشتم، تو

۱. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

هم از او بگذر...)) این طور مهر و محبت بین شما زیاد می شود...^۱
 این یعنی عمل به آیه **«وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا»**.
 شادی روح همه شهدا و قهرمانان ایران زمین، مخصوصاً شهید «حسن
 باقری» بلند صلوات بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



امروز درباره یک اشکال بزرگ در مسیر قهرمانی صحبت کردیم و گفتیم اگر
 اهل نزاع و درگیری و اختلاف باشیم، به فرمایش قرآن «فَشَلَّ» خواهیم شد
 و آینده ای جز شکست نخواهیم داشت.

۱. فرزانه مردی، یادگاران، ج ۴ (گزیده خاطرات شهید حسن باقری)، ص ۳۰.

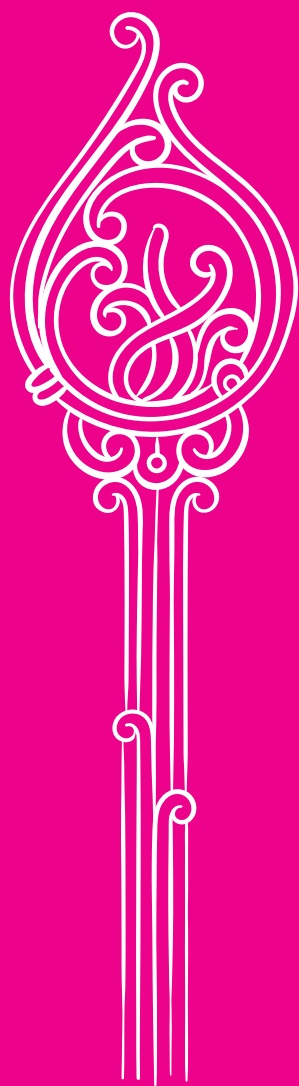
عهد باقری

بیایید ما هم مثل شهید «حسن باقری» به این آیه عمل کنیم و در مدرسه یا گروهی که هستیم، به جای اینکه به اختلافات کوچک دامن بزنیم و باعث نزاع و ناراحتی همدیگر شویم، به دنبال یافتن راه حل های مشترک باشیم که دوستی ما را بیشتر می کند. هر جا هم که احساس ناراحتی و عصبانیت به ما دست داد، چند لحظه صبر کنیم، بعد کمی نفس عمیق بکشیم و در ادامه با آرامش، از جملات دوستانه و زیبا استفاده کنیم و اگر نکته ای هم داریم، دلسوزانه منتقل کنیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس بیایید دست به دعا برداریم:
 خدایا! به حق این ماه عزیز، ما را از عمل کنندگان به این آیه شریفه قرار بده؛ الهی آمین!
 خدایا! به حق قرآن، به ما کمک کن از مسیرهایی که باعث جدایی و نزاع شود، دوری کنیم؛ الهی آمین!
 پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه ای عجته سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
 شادی دل امام صادق و امام کاظم علیهم السلام بلند صلوات بفرستید.
 «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه ششم

شاه‌کلید قهرمانی!

﴿لَيْنَ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَيْنَ
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾

سوره ابراهیم، آیه ۷

یادتان باشد که خداوند اعلام کرده: اگر شکر کنید، حتماً سرمایه وجودی‌تان را زیاد می‌کنم و اگر ناشکری کنید، مجازاتم خیلی شدید است.



سُورَةُ الْاَنْبِيَاءِ

وَاِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ
 اِذْ اَنْجَاكُمْ مِنْ اِلْفِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
 وَيُذَيِّبُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي
 ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ عَظِيْمٌ ﴿٦﴾ وَاِذْ تَاذَنَ رَبُّكُمْ
 لِيْنِ شَكَرْتُمْ لَا زَيْدًا لَّكُمْ وَلِيْنِ كَفَرْتُمْ اِنَّ عَذَابِي
 لَشَدِيْدٌ ﴿٧﴾ وَقَالَ مُوسَىٰ اِنْ تَكْفُرُوْا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي
 الْاَرْضِ جَمِيْعًا فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيْدٌ ﴿٨﴾ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبُوْا
 الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمٌ نُّوحٌ وَعَادٌ وَثَمُوْدٌ وَالَّذِيْنَ
 مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ
 بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّوا اَيْدِيَهُمْ فِيْ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْا اِنَّا كَفَرْنَا
 بِمَا رُسِلْتُمْ بِهِ وَاِنَّا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ﴿٩﴾
 * قَالَتْ رُسُلُهُمْ اِنِّيْ اللّٰهُ شَكُّ فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ
 يَدْعُوْكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُوْخِّرْكُمْ اِلَىٰ اَجَلٍ
 مُّسَمًّى قَالُوْا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا تُرِيْدُوْنَ اَنْ تَصُدُّوْنَا
 عَمَّا كَانِ يَعْبُدُۢا اَبَاۡؤَنَا فَاَنْتُمْۢ اِسْلٰطِنُۢا مُّبِيْنٍ ﴿١٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
به نام خداوند دریاچه‌ها که داده قشنگی به پروانه‌ها
به نام خداوند رنگین‌کمان خداوند بخشندهٔ مهربان
رفقا و عزیزان دوست داشتنی من! سلام. سلام و هزاران سلام به همه
شما غیورمردان ایران زمین.

سلام به هر کی تو دلش خیلی خدا رو دوست داره
تو هر کاری به روی لب اسم خدا رو میاره
قبل از اینکه برویم سراغ هم‌خوانی، صلواتی بفرستید که ملائکه
صدای شما را بشنوند!

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

ممنونم از این صلوات بلندی که فرستادید؛ اما اگر صلوات آرام هم
باشد، ملائکه می‌شنوند! حالا یک صلوات آرام بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

۱. قاعدتاً باید متربیان صلواتی با صدای بلند بفرستند.

خب برویم سراغ هم خوانی بخشی از آیه ۷ سوره ابراهیم.^۱
خداوند در این آیه می‌فرماید: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾؛ پس همگی بعد
از من تکرار کنید:

– ﴿لَئِنْ﴾

– ﴿شَكَرْتُمْ﴾

– ﴿لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾

چون خوب گفتید یک بار دیگر هم تکرار می‌کنیم:

– ﴿لَئِنْ﴾

– ﴿شَكَرْتُمْ﴾

– ﴿لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾

الهی که زندگی‌تان سراسر قرآنی باشد.

شروع با بازی

مثل همیشه کلاس را به دو گروه تقسیم می‌کنیم و یک مسابقه باحال
انجام می‌دهیم.

لطفاً خودتان ۵ نفر را به عنوان نماینده انتخاب کنید.^۲

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایدئال این است که متربیان، آیات روزانه را
تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی
نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

۲. مربی باید به چند نکته توجه ویژه داشته باشد:

اولاً در انتخاب‌ها دقت کند که باعث دلخوری نشود.

ثانیاً حتی الامکان کسانی انتخاب شوند که در جلسات گذشته در مسابقات شرکت
نکرده‌اند.

ثالثاً برای مدیریت کلاس می‌توان برخی قوانین، مثل نظم یا آرامش را به گروه‌ها
گوشزد کرد.

خب، حالا نماینده‌های هر دو گروه بیایند این جا کنار من، تا بازی را توضیح بدهم.

بازی از این قرار است که اعضای دو گروه باید روبه‌روی همدیگر بایستند و وقتی من شروع بازی را اعلام کردم، به نوبت باید یکی از نعمت‌هایی را که خداوند به آن‌ها داده است، نام ببرند. البته فراموش نکنید که یک بار گروه اول می‌گوید و بعد گروه دوم؛ همین‌طور ادامه می‌دهیم تا آخر بازی. در ضمن بازی ما دو تا شرط هم دارد:

۱. تکراری گفته نشود؛

۲. زیاد مکث نکنید و سریع باید بگویید.

هر کس که سوخت، باید بنشیند تا تکلیف تیم برنده مشخص شود. حالا همگی به افتخار تیم خودتان یک دست خوشگل بزنید!^۱
با شمارش من، مسابقه شروع می‌شود. ۱. ۲. ۳؛ شروع:



آفرین به هر دو تیم.

بچه‌ها! برخلاف تصویری که دارید، در مسابقه امروز هر دو تیم برنده‌اند!
چه کسی دلیلش را می‌داند؟^۳

ممنون از نظراتی که دادید. اما می‌دانید چرا گفتیم هر دو تیم برنده‌اند؟ چون هر دو تیم در راستای عمل به آیه قرآنی که خواندیم، حرکت کردند. خداوند در این آیه می‌فرماید: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»؛ اگر شکر کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد.

۱. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

۲. کنترل کلاس فراموش نشود.

۳. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

قبلاً از «سرزمین قهرمانان» صحبت کردیم و گفتیم برای داشتن چنین سرزمینی باید اصولی که خدا گفته را رعایت کنیم. یکی از این اصول که شاید شاه‌کلید قهرمانی است، موضوع همین آیه است؛ یعنی شکرگزاری. خب، به نظر شما تا نتوانیم خوبی‌ها را ببینیم، آیا می‌توانیم شکرگزاری کنیم؟!

معلوم است که نه! به همین خاطر، هر دو گروه چون نعمت‌هایی را که خدا به آن‌ها داده بود، دیدند و بعد توانستند نام ببرند، برنده‌اند. حالاً همگی به خاطر این نعمت‌ها خدا را شکر می‌کنیم و بلند می‌گوییم:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.

ببینید بچه‌ها! همه آدم‌ها دنبال حال خوب‌اند. یکی از عوامل حال خوب، دیدن نعمت‌ها و دارایی‌های خودمان است. باور کنید دیدن دارایی‌ها، مهم‌تر از داشتن دارایی‌هاست! خیلی اوقات ما آدم‌ها ندار نیستیم، اما حال خوبی هم نداریم؛ چرا؟! چون حال بد ما به خاطر نداشتن نیست؛ بلکه به خاطر ندیدن است. وقتی انسان، خوبی‌ها و نعمت‌های زندگی‌اش را دید، آن وقت، تازه فرصت شکرگزاری پیدا می‌کند.

اینکه سالم هستیم، اینکه باهم هستیم، اینکه می‌توانیم بازی کنیم، اینکه پدر و مادر خوبی داریم، اینکه دوستانی داریم که باعث شادی و نشاط ما هستند، آیا این‌ها نعمت نیستند؟! آیا نباید از خدا به خاطر نعمت‌ها تشکر کنیم؟! آیا نباید قدردان والدین و دوستان خودمان به خاطر این حال‌های خوب باشیم؟!

پس دوباره همگی باهم بلند می‌گوییم:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾.

من یک بیت شعر را روی تابلو می‌نویسم که نقطه ندارد و شما باید نقطه‌های آن را بگذارید و بخوانید.^۱

۱. مربی باید شعر را بزرگ روی تابلو بنویسد تا همه به راحتی بتوانند ببینند.

آفرین به این حافظه شاعرانه!

شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر، نعمت از گفّت بیرون کند
این بیت یعنی چی؟! یعنی جمله مقام معظم رهبری که فرمودند:
(اگر شکر کردیم، می ماند؛ اگر شکر نکردیم، گرفته می شود).^۱
به این داستانی که می گویم خوب دقت کنید:

یک بنده خدایی پیش امام رضا علیه السلام آمد و گفت: آقا، من فقیرم.
اگر می شود کمکی به من بکنید. امام رضا علیه السلام از سینی انگوری که
مقابلشان بود، یک شاخه انگور برداشتند و به او دادند. مرد فقیر
گفت: آقا! انگور به چه درد من می خورد؟! زن و بچه من گرسنه اند
و شما انگور به من می دهید؟! بعد انگور را سر جایش گذاشت!
چند لحظه بعد یک نفر دیگر که ظاهراً او هم فقیر بود، وارد اتاق
شد و سلام کرد: ((السلام علیک یا علی بن موسی الرضا)). امام
رضا علیه السلام جواب سلام او را دادند و بعد یک حبه انگور به او دادند.
توجه کنید که یک دانه انگور به او دادند، نه مثل نفر قبلی یک
شاخه انگور. همین که دانه انگور را گرفت، خوشحال شد و سریع
از حضرت تشکر کرد و گفت: آقا جان! ممنونم، دلم برای خود شما
تنگ شده بود و آمدم شما را ببینم؛ شما چقدر کریم هستید! تا
این حرف را زد، حضرت یک شاخه انگور به او داد. گفت: آقا جانم!
ممنون شما هستم. همین یک دانه کافی بود. شما چقدر
بزرگوارید! حضرت سینی انگور را به او داد. گفت: آقا جان! زبانم
لال شد! من آمدم شما را ببینم و شما این گونه کرامت دارید!
امام رضا علیه السلام فرمودند: کاغذ بیاورید؛ می خواهم چیزی بنویسم.
شاید باورتان نشود، اما امام مهربان ما باغ انگوری که داشتند



را به نام او زدند! آن مرد گفت: آقا جان! من واقعاً دیگر نمی‌توانم تشکر کنم! حضرت دوباره فرمودند: با زمین‌های اطرافش! آن بنده خدایی که اول آمده بود، با ناراحتی گفت: آخرین چه وضعی است؟! من فقیر بودم و کمک می‌خواستم و او فقط دلش تنگ شده بود؛ اما شما هرچه بود به او دادید!

حضرت زیر آن نوشته، مطلبی را اضافه کردند و نوشتند: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾. بعد فرمودند: «من یک شاخه انگور به تو دادم، قدردانی نکردی، ولی به او یک حبه انگور دادم و او تشکر و قدردانی کرد. رسم خدا هم بر این است که اگر کسی قدردان باشد، نعمت‌هایش را بیشتر می‌کند. من فقط خواستم به سنت خدا عمل کنم»^۱.

دیدید بچه‌ها چه شد؟! شد همان شعری که گفتیم: شکر نعمت، نعمت افزون کند کفر، نعمت از کفّت بیرون کند نفر اول، لطف همان یک شاخه انگور را ندید، ولی دومی نعمت یک حبه انگور را دید و قدردانی و تشکر کرد و در عوض نعمت‌هایش افزون شد.



حالا لطفاً همه، چشم‌ها را ببندید. همه چشم‌ها بسته باشد لطفاً. همین‌طور که چشم‌ها بسته است، دست راستان را بالا بیاورید. چرا بعضی‌ها دست چپشان را بلند کردند؟! حالا برای اینکه آن‌ها هم ناراحت نشوند، دست چپ را هم بلند کنید. همین‌طور که دستان همه بالاست، سه تا از بهترین نعمت‌هایی را که خدای مهربان به شما داده، در ذهنتان مرور کنید؛ البته اگر بیشتر شد هم اشکالی ندارد.

۱. برگرفته از داستان‌های بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۲، حدیث ۵۶.

حالا در ذهن خود، از خداوند به خاطر این سه نعمت تشکر کنید. حالا چشم‌ها باز. همین‌طور که دستانتان بالاست، بیایید زبانی هم از خدا تشکر کنیم. همه بلند بگوییم: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

حالا همه باهم سه مرتبه به فارسی بگوییم: «خدایا شکر! خدایا شکر! شکر! شکر! خدایا شکر!»

گفتم تشکر زبانی؛ به نظر شما مدل دیگری هم برای تشکر کردن داریم؟^۱ ممنون از همگی. بله بچه‌ها، همان‌طور که گفتید، تشکر کردن انواع مختلفی دارد.

انواع تشکر

۱. زبانی



اولین نوع، تشکر کردن با زبان است که می‌توانیم با صحبت کردن از پدر و مادر و دوستان خوبمان و دیگرانی که لطفی در حق ما می‌کنند، تشکر کنیم.

۲. دستی



دومین نوع، تشکر کردن با استفاده از دست است. گاهی با بلند کردن دست می‌توانیم از بقیه تشکر کنیم. مثل کجا؟ مثلاً ما یک طرف خیابان هستیم و دوستان طرف دیگر و صدای ما را نمی‌شنود؛ پس با بلند کردن دست می‌توانیم تشکر کنیم. یا دوستان را به نشانه ادب روی سینه بگذاریم و تشکر کنیم. حتی می‌توانیم مثل چینی‌ها کف هردو دست را به هم بچسبانیم و تشکر کنیم.

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

الآن همه از نفر کناری خود به سبک چینی‌ها تشکر کنید!
۳. بوقی



سومین نوع، تشکرکردن با بوق است! کجا؟! آفرین به شما. بعضی راننده‌ها گاهی برای تشکرکردن از هم، بوق می‌زنند؛ البته حواستان باشد که کنار بیمارستان‌ها به خاطر حال بیماران نباید بوق بزنیم.

۴. کادویی



کادو دادن هم یک نوع تشکرکردن است. شما عزیزان از این نوع تشکر، بیشتر در چه زمان‌هایی استفاده می‌کنید؟
آفرین به همه! مثلاً روز مادر، روز پدر، روز معلم و....

۵. دعایی



پنجمین نوع تشکرکردن، دعاست. یعنی چه؟ یعنی همین کاری که ما کردیم. از خداوند به خاطر نعمت‌هایی که داریم، تشکر می‌کنیم و «الحمد لله» می‌گوییم و از خدای مهربان، بهترین‌ها را برای پدر و مادر و دوستانمان می‌خواهیم و برایشان دعا می‌کنیم.

خداوند نوجوان قرآنی «ارشیا مداحی» را رحمت کند.

ارشیا تک‌فرزند یک خانواده مرفه با همه جور امکانات مادی بود. کتاب «سلام بر ابراهیم» که زندگی‌نامه شهید «ابراهیم

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

هادی) است را که خواند، زندگی اش تغییر کرد. بعد از آن، در همهٔ زمینه‌ها فعال شد و سعی کرد تا می‌تواند شبیه ابراهیم باشد و پایگاهش هم شده بود مسجد. برخی شب‌ها گوشهٔ اتاقش ساعتی را به سجده می‌رفت. مادرش از او می‌پرسید: چه می‌کنی؟ می‌گفت: «سجده می‌روم و در حد توان، نعمت‌های خدا را به زبان می‌آورم و برای تک‌تک آن‌ها از خدا تشکر می‌کنم. ما نمی‌دانیم که خدای مهربان چه نعمت‌هایی به ما ارزانی کرده». بچه‌ها! یکی از نعمت‌های بزرگ خدای مهربان به ما ایرانی‌ها همین نعمت انقلابی است که ما را از تحقیر و وابستگی به کشورهای بیگانه نجات داد و مسیر استقلال و پیشرفت کشور را به سوی ما گشود. شکر این نعمت بزرگ هم صرفاً با زبان نیست؛ بلکه باید نعمت‌هایی مثل دستاوردهایش را ببینیم و تلاش کنیم تا آن‌ها بیشتر شود البته باید قدردان کسانی که برای پیشرفت کشورمان زحمت می‌کشند هم باشیم.

۶. عملی

اما شاید بتوان گفت مهم‌ترین نوع شکر، شکر عملی است. باید در برابر کسی که به ما لطفی کرده یا نعمتی را داده، به صورت عملی شکرگزار باشیم؛ مثلاً شکر عملی برای پدر و مادری که این قدر به ما لطف و محبت کرده‌اند، فقط با زبان و گل و هدیه جبران‌پذیر نیست؛ بلکه باید به حرف آن‌ها گوش بدهیم و با درس خواندن و... قدردان زحمات آن‌ها باشیم. یا در برابر خداوندی که این همه نعمت به ما داده، باید برخی کارها را هم به عنوان شکرگزاری انجام بدهیم و به دستوراتی که داده عمل کنیم؛ مثلاً اهل نماز و عبادت باشیم یا کارهای خوب را به خاطر او انجام دهیم و...



جمع بندی

امروز از شاه‌کلید قهرمانی صحبت کردیم و گفتیم بر اساس آیه ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ اولاً باید نعمت‌های اطرافمان را ببینیم و ثانیاً قدردان آن‌ها بوده و همیشه زبان تشکر داشته باشیم.

عهد با ایزد

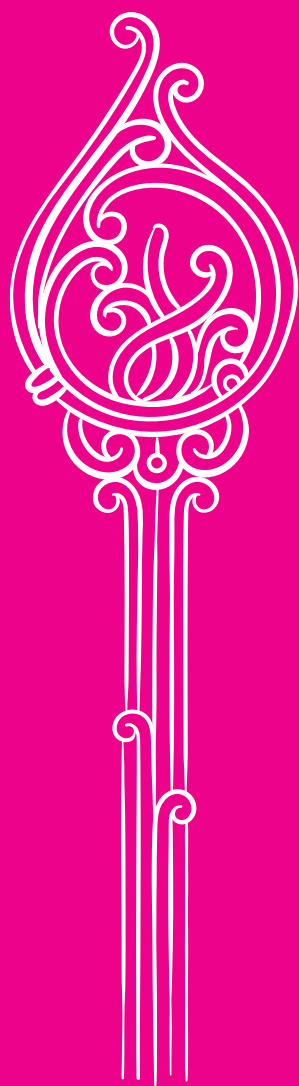
ما هم برای اینکه این آیه را در زندگی عملی کنیم، می‌توانیم هر شب قبل از خواب، سه تا از نعمت‌های روزانه خودمان را یادداشت کنیم و برای هر کدام به شیوه‌های مختلف شکرگزاری کنیم؛ گاهی با زبان، گاهی با دعا، گاهی با سجده و حتی گاهی با دو رکعت نماز شکر خواندن.

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیاید دست به دعا برداریم.
 خدایا! به حق این ماه عزیز، یک چشم نعمت بین به ما عنایت بفرما؛
 الهی آمین!
 خدایا! به حق قرآن، ما را قدردان زحمات و خوبی‌های والدین قرار بده؛
 الهی آمین!
 پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای عجته سلامتی و طول
 عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
 شادی دل امام رضا و فرزند دل‌بندشان امام جواد علیه السلام بلند صلوات
 بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه هفتم

مقابله به مهر!

﴿أَدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ
وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾

سوره فصلت، آیه ۳۴

جواب بدی را با خوبی بده، آن‌هم با بهترین روش.
اگر این‌طور کنی، آن‌کسی که بین تو و او دشمنی
بوده است، یک‌دفعه مثل دوستی صمیمی می‌شود!



سُورَةُ فَصَّلَاتٍ

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ مَنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نَزَّلْنَا مِن عَفُورٍ رَّحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا ذُو حِظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا نَزَعْنَاكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ
 إِلَيْهِ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.

اول به نام خدا که بنده او هستیم

ما به رسول و آتش صلوات می‌فرستیم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

دوم دارم یه هدیه، که بهترین کلامه

هدیه برای شما، درسته اون سلامه

غیورمردان ایران زمین سلام؛ سلامی از طرف خدای مهربان، برای شما

عزیزان قهرمان. امیدوارم که حال دلتان خوب باشد و قرآنی.

زود و تند و سریع بگویید که همین ابتدای کار نوبت چیست؟

احسنت به همگی! شروع کلاس‌های ما با هم خوانی است.

قسمتی که امروز می‌خواهیم هم خوانی کنیم،^۱ از آیه ۳۴ سوره فصلت

است که خداوند می‌فرماید:

۱. مریبان گرامی توجه داشته باشند که ایدئال این است که مترجمان، آیات روزانه را

تلوات کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مریب قرائت کند و به هر دلیلی اگر مریب

نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

﴿ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾.

تا من آیه را روی تابلو می نویسم، شما هم لطف کنید و یک صلوات قرآنی بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ﴾

حالا همگی منظم و مرتب بعد از من تکرار کنید.

- ﴿ادْفَعْ﴾

- ﴿بِأَلَّتِي﴾

- ﴿هِيَ﴾

- ﴿أَحْسَنُ﴾

آن قدر خوب جواب می دهید که آدم شوق پیدا می کند دوباره بخواند.
پس باز هم با انرژی بالا می خوانیم:

- ﴿ادْفَعْ﴾

- ﴿بِأَلَّتِي﴾

- ﴿هِيَ﴾

- ﴿أَحْسَنُ﴾

حالا به صورت قرآنی خودتان را تشویق کنید.

طَيِّبٌ، طَيِّبٌ اللَّهُ أَحْسَنُ بَارِكُ اللَّهُ طَيِّبٌ، طَيِّبٌ اللَّهُ أَحْسَنُ بَارِكُ اللَّهُ

شروع با خاطره شهید

مسئول شکنجه اسرای ایرانی در اردوگاه تکریت ۵، شخصی بود به نام «کاظم عبدالأمیر» که یکی از برادرانش اسیر ایرانی ها بود و برادر دیگرش هم در جنگ با ایران کشته شده بود. به همین خاطر کینه خاصی به اسرای ایرانی داشت، و انگار ایرانی ها را

مقصر همه مشکلات خودش می دانست!^۱
این جناب کاظم، آقای ابوترابی علیه السلام را خیلی اذیت می کرد. او می دانست که آقای ابوترابی فرمانده و روحانی انقلابی است؛ به همین خاطر ضربات کابلی که نثارش می کرد، شدت بیشتری نسبت به بقیه اسرا داشت؛ اما مرحوم ابوترابی هیچ گاه شکایت نکرد و به او احترام می گذاشت!

کاظم از هر فرصتی برای شکنجه روحی، روانی و جسمی اسرا به ویژه آقای ابوترابی استفاده می کرد؛ اما آقای ابوترابی همیشه به او احترام می گذاشت. یک بار که از طرف سازمان های جهانی برای بازدید زندان ها آمده بودند، وقتی از آقای ابوترابی پرسیدند: آیا شما را شکنجه می کنند یا نه؟ گفته بود: نه!

بعداً که کاظم عبدالأمیر دلیل این جواب را از ایشان می پرسد، گفته بود: چون ما مسلمانیم و آن ها غیرمسلمان. خوب نبود که اختلاف بین ما را متوجه بشوند!

خلاصه اینکه افسر ارشد اردوگاه تکریت، دائماً ایشان را شکنجه می کرد و در مقابل، آقای ابوترابی او را احترام می گذاشت. مثلاً یک وقت خبر رسید که کاظم عبدالأمیر ترفیع درجه گرفته و سرهنگ شده. مراسم جشنی برای او در اردوگاه برگزار شد و همه افسران عراقی به او تبریک می گفتند.

آقای ابوترابی از دوستانش خواست تا با کمی آرد و شکر یک کیک کوچک درست کنند؛ بعد کیک را لای یک پارچه پیچید و به دفتر سرهنگ رفت. سرهنگ مثل همیشه با حالتی غرورآمیز گفت:

۱. چه زیباست که هنگام نام بردن از حاج آقای ابوترابی و شهید کاظم عبدالأمیر، عکس آن ها نیز به نمایش گذاشته شود.

«چی شده؟! امروز توی جشن ما چی می خوای؟» آقای ابوترابی پارچه را از روی کیک برداشت و گفت: من و اسرا شنیده‌ایم که ترفیع درجه گرفته‌اید؛ برای عرض تبریک، این کیک را از سهمیه آرد و شکر خودمان برای شما درست کردیم!

نمی‌دانید این برخورد آقای ابوترابی چه تأثیری داشت! از آن روز برخورد این سرهنگ با همه اسرا تغییر کرد. او از یک طرف اذیت می‌کرد و آقا سید ابوترابی از این طرف محبت می‌کرد. کم‌کم محبت حاج آقای ابوترابی در دل کاظم جا باز کرد و شد مرید ایشان؛ به طوری که وقتی قرار شد آقای ابوترابی را به اردوگاه دیگری بفرستند، کاظم گریان و بسیار دلگیر بود.

وقتی اسرای ایرانی آزاد شدند، کاظم برای خدا حافظی با آن‌ها به خصوص آقای ابوترابی تا مرز ایران آمد.

او بعد از پایان جنگ نتوانست دوری حاج آقای ابوترابی را تحمل کند و با هر سختی‌ای که بود، برای دیدن حاج آقا راهی تهران شد. وقتی فهمید حاج آقا در سانحه تصادف مرحوم شده‌اند، به شدت متأثر شد و بر سر مزار ایشان در مشهد رفت و مدت‌ها آن جا بود. این کاظم دیگر آن کاظم عبدالأمیر قبلی نبود. کاظم از خدا می‌خواست تا از گناهانش در اذیت و آزار اسرای ایرانی بگذرد. حتی سراغ برخی از اسرای ایرانی می‌رفت که شکنجه کرده بود و از آن‌ها حلالیت می‌طلبید.

تا اینکه خبر رسید یک گروه جنایتکار و خبیث به نام «داعش» پیدا شده که به عراق و سوریه حمله کرده است. کاظم هم به سرعت به صف مدافعان حرم در سوریه پیوست و در دفاع از حرم حضرت زینب علیها السلام به شهادت رسید.^۱

۱. گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، مدافعان حرم، ص ۲۴ (با اندکی تصرف).

قبل از اینکه ادامه بحث را بگوییم، بیایید شادی روح مرحوم آقاسید ابوترابی که با اخلاق خوبشان باعث شدند یک افسر شکنجه‌گر بعثی تبدیل به مدافع حرم بشود و هم چنین شادی روح همه مدافعان حرم، مخصوصاً شهید «کاظم عبدالأمیر» بلند صلوات بفرستیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



بینید بچه‌های عزیز! همه انسان‌ها در زندگی اجتماعی خودشان با افرادی مواجه می‌شوند که با آن‌ها هم عقیده نیستند یا ارتباط صمیمی زیاد بین آن‌ها وجود ندارد. اصلاً امکان ندارد که همه افراد با هم هم فکر، هم سو و موافق باشند. قطعاً ما نیز در طول زندگی با چنین افرادی روبه‌رو خواهیم شد؛ اما آن چیزی که باید برای ما اهمیت داشته باشد، روش درست برخورد و مواجهه ما با آن‌هاست؛ درست مثل رفتار حاج آقای ابوترابی با کاظم عبدالأمیر.

بچه‌ها! به نظر شما این افراد مخالف، همه مثل هم هستند؟ یعنی مخالف، مخالف است و فرقی بین هیچ‌کدامشان نیست؟ نظر شما چیست؟
 ممنون از نظرات ارزشمندی که دادید؛ اما اگر بخواهیم افراد مخالف را در یک دسته بندی قرار بدهیم، می‌توانیم آن‌ها را به ۲ نوع یا ۲ دسته تقسیم کنیم.

انواع مخالف

۱. دشمن مخالف

دسته اول، کسانی‌اند که دوست ما نیستند؛ بلکه دشمنانی هستند که نه تنها اعتقادات ما را قبول ندارند، بلکه همیشه به دنبال ضرر رساندن و

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

آسیب زدن به ما هستند و همیشه زور می‌گویند. البته که در برابر این افراد باید ایستادگی و مقاومت کرد. ما باید در برابر این افراد به شدت مبارزه کنیم؛ مثلاً اسرائیل و آمریکا از این دسته‌اند و باید با آن‌ها مبارزه کنیم.

۲. دوست مخالف

دسته دوم، کسانی‌اند که دوست ما هستند، اما فقط با نظر ما مخالف‌اند. بچه‌ها! ما باید یاد بگیریم که هر کس نظری به جز نظر ما داشت، دشمن ما نیست. ما باید یاد بگیریم با دوستانی که نظر ما را قبول ندارند، چگونه رفتار کنیم.

ببینید بچه‌ها! من قبول دارم که نحوه رفتار با این گروه، متفاوت است، اما می‌خواهم یک پیشنهاد ساده بدهم: هر کس که با ما مخالفت کرد یا به ما بدی کرد، ما هم با او مقابله به مثل کنیم و همان بدی را در حق او انجام بدهیم!

هر کس موافق این پیشنهاد است، یک دست خوشگل بزند! ای‌وای بر من! چی شد؟! چرا بعضی‌ها دست زدند؟! یعنی هر کس که بدی کرد، با بدی جوابش را بدهیم؟! البته می‌دانم که حواستان نبود و شما اهل مقابله به مثل نیستید؛ چون می‌دانید در سرزمین قهرمانان، مقابله به مثل همیشه کار درستی نیست. در سرزمین قهرمانان ما باید به دنبال جمع کردن بیشتر افراد باشیم، نه اینکه همه را از خودمان دور کنیم. پس بچه‌ها! در سرزمین قهرمانان مقابله به مثل ممنوع است. اما باید چه کار کرد؟ من بخشی از آن را می‌نویسم و شما باید حدس بزنید.

((مقابله به م...))

به نظر شما نقطه مقابل ((مقابله به مثل)) که ((مقابله به م...)) است، چیست؟^۲

۱. طبیعتاً برخی از متربیان دست خواهند زد. اگر کسی دست نزد که عالی است و باید تشویق شود.
۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

ممنون از همگی. نقطه مقابل «مقابل به مثل»، «مقابل به مهر» است. یعنی چه؟ یعنی ترجمه همان آیه‌ای که خواندیم. خداوند در این آیه می‌فرماید: «ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ اگر کسی بدی کرد، با چیزی که بهتر است، دفع کن. یعنی ما نباید بدی‌های دیگران را با بدی جبران کنیم و به قول معروف «مقابل به مثل» نکنیم؛ بلکه «مقابل به مهر» کنیم و بدی‌ها را با خوبی پاسخ دهیم.

قبل از اینکه یک نمایش باحال داشته باشیم، کدام یک از شما عزیزان می‌تواند خاطره یا داستانی بگوید که در آن، کسی به او بی‌ادبی کرده باشد، ولی او برعکس عمل کرده و به او خوبی کرده و نتیجه خوبی گرفته باشد؟^۱



خب برویم سراغ نمایش. چه کسی اهل نمایش بازی کردن است؟ هر کس بلد است، دست بلند کند. البته کلاً به دو نفر نیاز داریم.^۲

نمایش ما به این شکل است که نفر اول باید یک بداخلاقی با نفر دوم انجام دهد و نفر دوم به جای «مقابل به مثل»، «مقابل به مهر» کند و اول آیه «ادْفَعْ بِأَلَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» را بلند بخواند، بعد به بهترین شیوه ممکن پاسخ بدهد. در ضمن، نفر اول باید پس از این رفتار خوب، نمایش را ادامه داده و شرمنده بودن خودش را نشان بدهد.

به افتخار این دوستان عزیز یک دست خوشگل بزنید.^۳

۱. برای مشارکت و همراهی متربیان، ضروری است که پاسخ کامل متربیان شنیده شده و از کسانی که همراهی می‌کنند، تقدیر و تشکر شود.
۲. در انتخاب افراد دقت شود تا باعث دلخوری نگردد. حتی الامکان کسانی انتخاب شوند که در جلسات قبل در مسابقات شرکت نکرده‌اند.
۳. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را

چون خیلی خوب گوش می‌دهید، یک جدول باحال داریم که رمز آن مرتبط با همین بحث امروز است. اول باید به سؤالات جواب بدهید، بعد رمز آن را به دست بیاورید.

سؤالات:

ه	ر	ا	۱				۱
ا	ر	ز	۲				۲
ک	ر	م	۳				۳
ل	ا	ح	۴				۴
م	ی	ب	۵				۵
ی	ق	ت	۶				۶
ش	و	خ	۷				۷
و	ل	ا	۸				۸
د	ع	ر	۹				۹

۱. از ابزار نجاری است.
 ۲. برعکس پول خارجی است.
 ۳. پایان زندگی است.
 ۴. بخشی از خانه و به معنای اکنون است.
 ۵. هم معنای ترس است.
 ۶. یکی از القاب امام جواد علیه السلام است.
 ۷. به معنای خوب و حُرْم است.
 ۸. به میوه تلفن معروف است.
 ۹. از سوره‌های قرآن به معنای غُرْش ابر است.
- احسنت به همه شما عزیزان!

حالا برای اینکه رمز جدول را به دست بیاورید، کافی است ابتدا حروف

جایگزین آن کنند.

اول پاسخ‌ها را کنار هم بگذارید و در ادامه، حروف انتهای پاسخ‌ها را به آن اضافه کنید. بینم چه کسی زودتر جواب را پیدا می‌کند.

خب بفرمایید که رمز جدول ما چه شد؟

احسنت به شما! رمز جدول می‌شود: «از محبت، خارها گل می‌شود». «از محبت، خارها گل می‌شود»، یعنی خروجی همین آیه که می‌فرماید: **«ادْفَعْ بِآئِي هِيَ أَحْسَنُ»**؛ یعنی همان کاری که حاج‌آقای ابوترابی با کاظم عبدالأمیر کرد. محبت‌های حاج‌آقای ابوترابی افسر شکنجه‌گر بعثی را به شهید مدافع حرم تبدیل کرد.

پس اگر از شما پرسیدند: یک آیه بگویید که مرتبط باشد با ضرب‌المثل «از محبت، خارها گل می‌شود» چه می‌گوییم؟ احسنت! **«ادْفَعْ بِآئِي هِيَ أَحْسَنُ»**. ببینید بچه‌ها! این روش، همان روش انبیا و اولیای الهی است. شاید برایتان جالب باشد بدانید که:

وقتی مسلمانان مکه را فتح کردند، برخی از مسلمانان که

شکنجه‌های شدید و بی‌رحمانه کفاری چون ابوسفیان را دیده

بودند، در کوچه و خیابان شعار می‌دادند: **«الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ»**؛

یعنی امروز، روز انتقام است. اما پیامبر مهربانی‌ها صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی این

جمله را شنیدند، چون اهل عمل به آیه **«ادْفَعْ بِآئِي هِيَ أَحْسَنُ»**

بودند، این شعار انتقام‌جویانه را عوض کردند و تبدیل به شعار

محبت‌آمیز کردند و فرمودند: نگویید **«الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَلْحَمَةِ»**،

بلکه بگویید **«الْيَوْمُ يَوْمُ الْمَرْحَمَةِ»**؛ یعنی امروز روز رحمت است.

پس همه آن‌ها را مورد عفو و بخشش و گذشت قرار دادند.^۱

یعنی پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جای «مقابله‌به‌مثل»، «مقابله‌به‌مهر» کردند و

همین باعث شد چنان طوفانی در دل‌های مشرکان مکه به پا شود که به

فرموده قرآن «يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا»؛ یعنی فوج فوج و گروه گروه آیین اسلام را با جان و دل پذیرا شدند.

جمع بندی

کدام یک از شما عزیزان می‌خواهد خلاصه‌وار بگوید امروز چه گفتیم؟^۲
بحث امروز را با داستان برخورد نیک حاج‌آقای ابوترابی با کاظم عبدالأمیر شروع کردیم و گفتیم در زندگی همه ما انسان‌ها، هستند کسانی که با ما مخالف‌اند یا به ما بدی می‌کنند؛ اما آن چیزی که مهم است، روش برخورد ماست که باید به جای «مقابله به مثل»، «مقابله به مهر» باشد.
برای اینکه جمعیت ما بیشتر و جمعمان جمع‌تر شود و رابطه ما با دوستانمان عمیق‌تر گردد و حتی کسانی که با نظر ما مخالف هستند، دوست ما شوند و بتوانیم کنار هم قوی شویم و «سرزمین قهرمانان» را شکل دهیم، باید بدی‌های دیگران را به بهترین وجه ممکن پاسخ دهیم، که این یعنی عمل به آیه «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» که خروجی آن می‌شود: «از محبت، خارها گل می‌شود».

۱. نصر، ۲.

۲. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

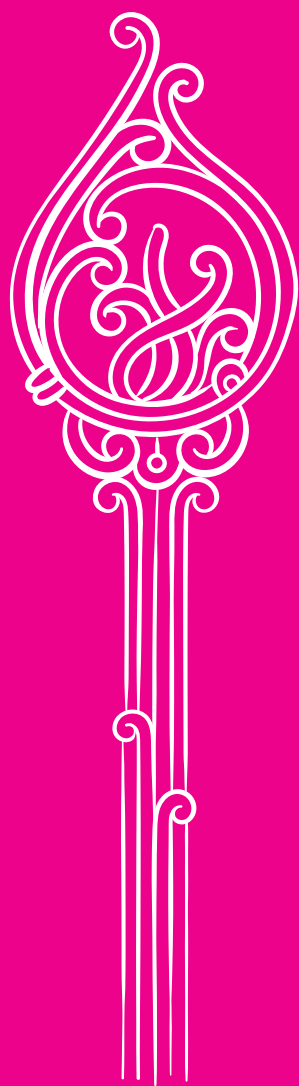
عهد با ائمه

برای اینکه ما هم به این آیه زیبا عمل کنیم، بیایید خوبی‌های کسی را بگوییم که بدی ما را به دیگران گفته، یا برای کسانی که به ناحق ما را نفرین کرده‌اند یا در حق ما بدی کرده‌اند، دعا کنیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا برداریم:
خدایا! به حق این ماه عزیز، ما را از عاملین به این آیه قرار بده؛ الهی آمین!
خدایا! به حق قرآن، قدرت بخشیدن بدی‌های دیگران را به ما عنایت بفرما؛ الهی آمین!
پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای عنه‌السلام سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
شادی دل امام هادی و امام حسن عسکری علیه‌السلام بلند صلوات بفرستید.
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»





جلسه هشتم

زخمی کشنده!

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾

سوره همزه، آیه ۱

وای بر هر که کارش عیب جویی، بدگویی و
زخم زبان است!



سُورَةُ الْعَصْرِ

سُورَةُ الْعَصْرِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْعَصْرِ ۝ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ ۝

سُورَةُ الْهُمَزَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيَذُلُّ كُلُّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ ۝ الَّذِي جَمَعَ مَا لَا وَعَدَّدَهُ ۝ يُحْسِبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ كَلَّا لَيُنْبَذَتِ فِي الْحُطْمَةِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطْمَةُ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ ۝ فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ ۝

سُورَةُ الْفَيْلِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْفَيْلِ ۝ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفَيْلِ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ ۝ وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ ۝ جَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
به نام خداوند والامقام خدای سلیم و خدای سلام
عرض سلام و ادب و احترام خدمت شما حضار عزیز و گرام
غیورمردان ایران‌زمین! سلام. امیدوارم که قهرمانان آینده این
«سرزمین قهرمانان» شما عزیزان دوست‌داشتنی باشید.

قبل از اینکه برویم سراغ هم‌خوانی، یک صلوات قرآنی بلند بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ»

در این جلسه قرار نیست مثل ابتدای هر جلسه یک آیه را هم خوانی کنیم. خوب به نظر شما چه کاری می‌خواهیم انجام بدهیم؟ احسنت به همگی! در این جلسه یک آیه را هم خوانی نمی‌کنیم؛ بلکه می‌خواهیم یک سوره را هم خوانی کنیم!

برای اینکه بفهمیم چه سوره‌ای را می‌خواهیم هم خوانی کنیم، من شعری را می‌خوانم و شما باید حدس بزنید که نام این سوره چیست. لطفاً با دقت گوش بدهید:

بچه‌ها چقدر عزیزه این سوره هُمزه
وای به حال عیب‌جویی مسخرگی، زورگویی

خب بفرمایید که سوره مدنظر ما چیست؟

احسنت به همگی! هرچند زیاد هم سخت نبود؛ چون اسمش در بیت اول آمده بود!

پس حالا سوره هُمزه را جمع خوانی می‌کنیم؛ یعنی هم‌زمان همه با هم می‌خوانیم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾

﴿الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ﴾

﴿يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾

﴿كَأَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ﴾

﴿وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ﴾

﴿نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ﴾

﴿الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ﴾

﴿إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّصَدَّةٌ﴾

﴿فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ﴾

حالا سلامتی خودتان یک صلوات محمدی پسند ختم کنید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.

احتمالاً گرونا را یادتان هست؛ گرونا چه بود؟! یک میکروب کوچک، آن قدر کوچک که با چشم دیده نمی‌شد.

بچه‌ها! چرا چیزی که دیده نمی‌شد، گُشنده بود؟! مگر می‌شود چیزی حتی دیده نشود، اما بتواند دیگران را اذیت کند؟! آفرین به این پاسخ‌های درست!

میکروب‌ها موجودات کوچکی هستند که با چشم دیده نمی‌شوند و فقط با دستگاه‌های خاص قابل دیدن هستند. متأسفانه در زندگی ما انسان‌ها، زخم‌هایی هست که به راحتی دیده نمی‌شود؛ حتی گاهی برخی زخم‌ها کشنده‌اند.

ببینید بچه‌ها! گاهی اوقات بی‌آنکه متوجه شویم، یک جمله ساده، یک کلمه تحقیرآمیز، یک شوخی نابه‌جا می‌تواند زخمی عمیق بر دل و روح و روان دیگران وارد کند؛ زخم‌هایی که دیده نمی‌شوند، اما یواش یواش دل‌هایمان را از هم دور می‌کند و باعث تخریب روابطمان می‌شود.

یکی از اصولی که در «سرزمین قهرمانان» باید رعایت شود، همین موضوع است؛ یعنی ما حق نداریم دل دیگران را به خاطر عیب‌جویی، مسخره‌کردن، طعنه‌زدن و ایرادگرفتن‌های بی‌جا بشکنیم.

خداوند در اولین آیه سوره هُمَزَه به همین نکته اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ﴾؛

یعنی وای بر هر عیب‌جوی طعنه‌زننده!

یعنی بدا به حال کسی که از دیگران عیب و ایراد می‌گیرد!

یعنی وای به حال کسی که دیگران را مسخره می‌کند!

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

یعنی بیچاره است کسی که به دیگران طعنه می‌زند و باعث شکستن دل آن‌ها می‌شود!

﴿وَبَلِّغْ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَّتَهُ﴾

این آیه می‌فرماید که ما باید در «سرزمین قهرمانان»، مراقب زبانمان باشیم، تا خدای ناکرده با شکستن دل دیگران باعث دور شدن هم‌گروهی‌هایمان نشویم.

این جور رفتارها مانند خنجری است که دوستی‌ها را از بین می‌برد و به جای اتحاد، جدایی می‌اندازد و همدلی‌ها را از بین می‌برد.

یعنی زبان بعضی از آدم‌ها از هزارتا خار و تیغ و حتی شمشیر بدتر است! واقعا نمی‌دانم چرا کار برخی از آدم‌ها عیب و ایراد گرفتن از دیگران است؟!

به مهمانی که دعوت می‌شوند، به غذا ایراد می‌گیرند!

در مجلس عروسی و عزا، به فضای سالن ایراد می‌گیرند!

در جلسات روضه، به صدای مداح و سخنران اعتراض می‌کنند!

بر انسان‌های تُپُل، عیب چاقی می‌گذارند و لاغر‌ها را به شکلی دیگر

تمسخر می‌کنند!

این آدم‌ها یک خار کوچک را در چشم دیگران می‌بینند، اما یک شاخه

بزرگ را در چشم خودشان، نه!

به نظر شما چرا این آدم‌ها این شکلی هستند؟!

به نظر من، کسی که دیگران را مسخره می‌کند و عیب روی دیگران

می‌گذارد، واقعا احساس کمبود نسبت به بقیه می‌کند؛ وگرنه انسان

سالم که عیب روی دیگران نمی‌گذارد.

ببینید بچه‌ها! ما قبلاً گفتیم که برای ساختن «سرزمین قهرمانان»

باید گرد هم جمع شویم و همیشه باهم باشیم. ما برای اینکه قهرمان

شویم، باید هوای همدیگر را داشته باشیم. نمی‌شود که ما دل همدیگر را

بشکنیم، دوستانمان را مسخره کنیم، عیبی را روی رفیقمان بگذاریم، باعث ناراحتی همه بشویم و درمقابل، توقع داشته باشیم که جمع ما جمع باشد و سرزمینی پر از قهرمانان را درست کنیم! نه، این جوری نمی‌شود!

تنوع

قبل از اینکه ادامه بحث را بگویم، بیایید آیه اول سوره هُمَزَه را همگی با هم به سبک همیشگی خودمان هم خوانی کنیم. پس تا من آیه اول را روی تابلو می‌نویسم، شما هم لطف کنید و یک صلوات بلند بفرستید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خب، مثل همیشه من اول می‌خوانم و شما بعد از من تکرار می‌کنید:

– «وَيْلٌ»

– «لِكُلِّ»

– «هُمَزَةٌ»

– «لَمَرَّةً»

یک بار دیگر بلندتر بخوانید:

– «وَيْلٌ»

– «لِكُلِّ»

– «هُمَزَةٌ»

– «لَمَرَّةً»

حالا خیلی آرام می‌خوانیم؛ بدون اینکه صدایمان جوهری داشته

باشد؛ مثل همان یواشکی حرف‌زدن:

– «وَيْلٌ»

– «لِكُلِّ»

– «هُمَزَةٌ»

- ﴿لَمْرَةً﴾

حالا هر کلمه را دوبار تکرار می‌کنیم:

- ﴿وَيْلٌ وَيْلٌ﴾

- ﴿يَكُلُّ يَكُلُّ﴾

- ﴿هُمَزَةٌ هُمَزَةٌ﴾

- ﴿لَمْرَةٌ لَمْرَةٌ﴾

حالا یک بار هم کَلَّ آیه را باهم می‌خوانیم:

﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لَمْرَةٍ﴾

حالا سلامتی خودتان بلند صلوات بفرستید:

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

حالا به ۵ نفر نیاز داریم برای نمایش به سبک پانتومیم؛ یعنی حق ندارند

وسط نمایش لب بزنند.

خب نمایش ما به این شکل است که ۲ نفر کنار هم در حال حرف زدن با همدیگر هستند. نفر سوم از راه می‌رسد و خیلی آرام و آهسته از کنار آن‌ها رد می‌شود. بعد آن ۲ نفر شروع به مسخره کردن می‌کنند؛ گاهی با اشاره دست مسخره می‌کنند و گاهی با چشم و ابرو و حالت‌های صورت.

بعد ۲ نفر بعدی از راه می‌رسند و به همان حالت پانتومیم به آن ۲ نفر ثابت می‌کنند که این کار، کار زشتی است و نباید انجام بدهند.^۱

به افتخار خودتان و این ۵ نفر یک دست خوشگل بزنید.^۲

ببینید بچه‌ها! همه انسان‌ها، هم اخلاق خوب دارند و هم اخلاق بد؛ هم نقاط مثبتی دارند و هم نقاط منفی. آن چیزی که مهم است، این است که در «سرزمین قهرمانان» کسی به دنبال طعنه زدن و نقطه ضعف

۱. مربیان عزیز، حواسشان به کنترل کلاس باشد.

۲. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

پیدا کردن نیست؛ بلکه باید همیشه نیمه پر لیوان را دید.
متأسفانه کسانی هم هستند که همیشه دنبال عیب جویی از دیگرانند
و تا آبروی طرف مقابل را نبرند، دست بردار نیستند!
اما این آیه، برعکس این کار را به ما گوشزد می‌کند و به ما آموزش
می‌دهد که نباید به دنبال عیوب دیگران باشیم؛ بلکه برعکس، باید به دنبال
عیوب خودمان باشیم و تمام تلاشمان را برای اصلاح آن‌ها انجام بدهیم.
یک سؤال خیلی مهم می‌پرسم و دوست دارم جواب‌هایی که می‌دهید،
بر اساس همین مباحثی که گفتیم باشد:

به نظر شما بدترین خطایی که مرتکب می‌شویم، چیست؟^۱

ممنونم از همه عزیزان دلم!

به نظر من، بدترین خطایی که ما مرتکب می‌شویم، توجه به خطای
دیگران است. گاهی ما آن قدر مشغول عیب جویی از دیگران می‌شویم که
عیوب خودمان را فراموش می‌کنیم.
می‌گویند:

مردی بود که همیشه به همه می‌گفت: همسرم خوب نمی‌شنود
و شنوایی اش کم شده است. به نظرش رسید که همسرش باید
سمعک بگذارد، ولی نمی‌دانست این موضوع را چه طور به او
بگوید. به همین خاطر پیش دکتر خانوادگی‌شان رفت و مشکل
را با او در میان گذاشت.

دکتر گفت: برای اینکه بتوانی دقیق‌تر به من بگویی که میزان
ناشنوایی همسرت چقدر است، آزمایش ساده‌ای وجود دارد:
ابتدا در فاصله ۴ متری او بایست و با صدای معمولی مطلبی را
به او بگو. اگر نشنید، همین کار را در فاصله ۳ متری تکرار کن؛
بعد در ۲ متری و به همین ترتیب تا بالاخره جواب بدهد. این کار

۱. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.



را انجام بده و نتیجه اش را به من بگو.
 آن شب، همسر آن مرد در آشپزخانه سرگرم تهیه شام بود و خود
 او در اتاق، جلوی تلویزیون نشسته بود. مرد با خودش گفت:
 الآن فاصله ما حدود ۴ متر است. بگذار امتحان کنم. بعد با
 صدای معمولی از همسرش پرسید: «عزیزم! شام چی داریم؟»
 اما جوابی نشنید. بلند شد و یک متر جلوتر به سمت آشپزخانه
 رفت و دوباره پرسید: «عزیزم! شام چی داریم؟» باز هم جوابی
 نشنید. پس باز هم جلوتر رفت و به در آشپزخانه رسید و سؤالش
 را تکرار کرد و باز هم جوابی نیامد!
 این بار جلوتر رفت و دستی به کتف همسرش زد و گفت: «عزیزم!
 شام چی داریم؟»

همسرش گفت: «مگه گری؟! این پنجمین باره که می‌گم؛ خوراک
 مرغ داریم!»

ای وای! حالا فهمیدید چه شد؟! بله، خود آن مرد مشکل شنوایی
 داشت، نه همسرش؛ اما به همه می‌گفت که همسر کم شنوا شده است!
 ببینید بچه‌ها! همیشه آن طور که ما فکر می‌کنیم، مشکل در دیگران
 نیست و شاید در خود ماست. چقدر زیباست که در «سرزمین قهرمانان» به
 دنبال پیدا کردن و برطرف کردن عیب‌های خودمان باشیم، نه بقیه.
 یک روایت خیلی زیبا و مهم و اثرگذاری از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام
 در نهج البلاغه هست که می‌فرمایند:

«بزرگ‌ترین عیب، آن است که به عیب دیگران مشغول شوی،
 در حالی که همان عیب در تو وجود دارد».^۱

۱. «أَكْبَرُ الْعَيْبِ، أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ»، نهج البلاغه، حکمت ۳۵۳.

جمع بندی بحث امروز ما همان آیه اول سوره هُمَزَه است که خداوند می فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ»؛ یعنی وای به حال کسی که از دیگران عیب جوئی می کند و بقیه را مسخره می کند اما عیوب خودش را نمی بیند. در ادامه هم روایت زیبایی از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواندیم که فرموده اند:

«بزرگ ترین عیب، آن است که به عیب دیگران مشغول شوی، در حالی که همان عیب در تو وجود دارد».

عهد با ایزد

چه زیباست که ما هم در زندگی مان، دنبال عیب گرفتن از مردم نباشیم و به جای آن، ذره بین روی عیب های خودمان بیاندازیم.

در ضمن، قهرمان «سرزمین قهرمانان» کسی است که اگر عیبی را در دوست و رفیق خود دید، نه تنها همه جا آن را جار نمی زند و مسخره نمی کند؛ بلکه به دنبال راهی برای کمک و اصلاح آن می گردد.

می توانیم از همین الآن همه باهم هم عهد بشویم که اگر در جمعی، سخن از عیب دیگران شد، به زیبایی و با مهربانی مسیر گفت و گو را تغییر دهیم، یا اگر نشد، از جمع خارج شویم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا برداریم:

خدایا! به حق قرآن، توان کنترل زبان را به ما عنایت بفرما؛ الهی آمین!

خدایا! به حق این ماه عزیز، به ما کمک کن تا همیشه عیوب خودمان را ببینیم، نه عیوب دیگران را؛ الهی آمین!

پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه ای عنه السلام سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!

شادی دل یگانه منجی عالم بشریت، امام زمان عجل الله فرجه بلند صلوات بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾



جلسه نهم

ایستاده چون کوه!

﴿وَالْوِ أَسْتَقْمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾

سوره جن، آیه ۱۶

اگر در راه درست پایداری کنند، حتماً آنان را با آبی
گوارا و فراوان سیراب می‌کنیم.



سُورَةُ الْحِجْرِ

وَأَتَا مَنَا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ﴿١٤﴾ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿١٥﴾
 وَالْوَالِدَاتُ يُغْضَبْنَ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ بِالْأَعْيُنِ لِنَفْسِكُمْ
 فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ﴿١٧﴾ وَإِنَّ
 الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ﴿١٨﴾ وَأَنْتُمْ لِمَا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ
 يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ﴿١٩﴾ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ
 بِهِ أَحَدًا ﴿٢٠﴾ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ﴿٢١﴾ قُلْ إِنِّي
 لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ﴿٢٢﴾ إِلَّا بَلَاغًا
 مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ
 خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا ﴿٢٣﴾ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَائِدَةً فَسَيَعْلَمُونَ
 مَنْ أَضْعَفُ نَاصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا ﴿٢٤﴾ قُلْ إِنْ أَدْرَىٰ أَقْرَبٌ مَّا تُوعَدُونَ
 أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ﴿٢٥﴾ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ
 أَحَدًا ﴿٢٦﴾ إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ
 يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ﴿٢٧﴾ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْغُوا رِسَالَاتِ
 رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
اول هر کار به نام خدا گوهر گفتار به نام خدا
به نام خداوند خوب و مهربان. غیورمردان ایران زمین! سلام. سلامی
که ان شاء الله برای همه ما سلامتی، سعادت، خوشی و شادابی را به همراه
داشته باشد.

سلام سلام بچه‌ها چطوره حال شما
سلام به روی ماه عزیزان باصفا
باشید همیشه خندان بچه‌های قهرمان

سلامتی همه قهرمانان «سرزمین قهرمانان» بلند صلوات بفرستید:
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

خب برویم سراغ قرار همیشگی خودمان، یعنی هم خوانی آیه مورد
نظرمان.^۱ تا من آیه را روی تابلو می‌نویسم، شما لطف کنید یک صلوات
قرآنی بلند بفرستید.

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند ایدئال این است که متربیان، آیات روزانه را
تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی
نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطَهَارِ»

مثل جلسات قبل، ابتدا من می خوانم و شما بعد از من تکرار می کنید.

هر کس آماده است، بلند بگوید: یا علی!

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

– ﴿وَأَنْ﴾

– ﴿لَوْ اسْتَقَامُوا﴾

– ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾

– ﴿لَأَسْقِيَنَّهُمْ﴾

– ﴿مَاءً﴾

– ﴿غَدَقًا﴾

یک بار دیگر تکرار می کنیم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

– ﴿وَأَنْ﴾

– ﴿لَوْ اسْتَقَامُوا﴾

– ﴿عَلَى الطَّرِيقَةِ﴾

– ﴿لَأَسْقِيَنَّهُمْ﴾

– ﴿مَاءً﴾

– ﴿غَدَقًا﴾

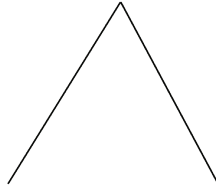


بچه ها! من شکلی را می کشم و شما باید بگویید که چیست. البته هر

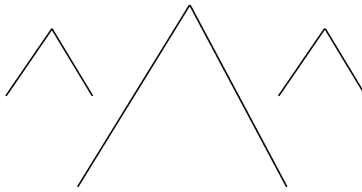
کس که می خواهد جواب بدهد، باید دست بلند کند.

به نظر شما این چیست؟

شکل ۱:



خب بعضی از شما می‌گویید که این شکل عدد ۸ است. حالا اگر ۲ تا (به قول شما) عدد ۸ دیگر اضافه کنم، چه می‌شود؟ یعنی می‌شود ۸۸۸؟!

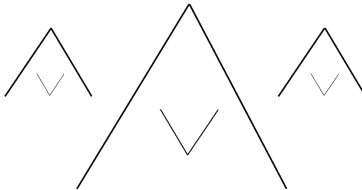


شکل ۲:

حالا اگر عدد ۷ را به آن اضافه کنیم چی؟ دیگر نمی‌توان گفت که این شکل یک عدد است.

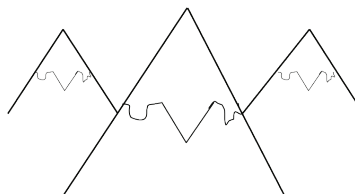
پس به چیزی غیر از عدد فکر کنید. منتظر نظرات ارزشمند شما هستم.^۱

شکل ۳:



۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شود و اگر کسی پاسخ صحیح داد، از او تقدیر و تشکر شود.

خب بیاید شکل را کامل کنیم تا ببینیم چه چیزی به دست می‌آید.
شکل ۴:



احسنت به همه شما عزیزان دل! این شکلی که کشیدیم، کوه است؛
کوه‌هایی که چون سرؤ، محکم و استوار و با تمام توان ایستاده‌اند.



حالا یک سؤال ساده‌تر: به نظر شما کوه، نماد چیست؟^۱
ممنون از پاسخ‌های درستی که دادید.

همان‌طور که می‌دانید، کوه در ادبیات فارسی نماد سرسختی، مقاومت،
استواری و استقامت است. عنوان بحث امروز ما هم که می‌خواهیم درباره‌اش
صحبت کنیم، «ایستاده چون کوه» است. به همین خاطر من این عنوان را
بزرگ روی تابلو می‌نویسم:^۲

ایستاده چون کوه

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.
۲. مربی باید این عبارت را حتماً به صورت فانتزی روی تابلو بنویسد، تا هم به جذابیت کار افزوده شود و هم تمرکزبخشی ایجاد کند.

ببینید بچه‌ها! ما در زندگی خودمان و البته در مسیر قهرمانی، مدام تصمیمات کوچک و بزرگی می‌گیریم که گاهی برای این تصمیمات باید هزینه بدهیم. همان‌طور که می‌دانید، زندگی، بالا و پایین دارد. گاهی در مسیر قهرمانی، سختی‌هایی پیش می‌آید که هدف آن‌ها ناامید شدن و کنارکشیدن است؛ اما باید چون کوه، در برابر این سختی‌ها بااستیم و مقاومت کنیم و کم نیاوریم.

اما کوه یک نماد است؛ چراکه در «سرزمین قهرمانان» همه در برابر سختی‌ها استقامت می‌کنند و سختی‌ها را با جان و دل می‌پذیرند و از آن‌ها عبور می‌کنند.

مثل رودخانه‌ها که از دل سنگلاخی‌ترین دشت‌ها عبور می‌کنند تا به دریا برسند.

مثل ریشه‌ها که در دل سخت‌ترین سنگ‌ها فرومی‌روند و بالاخره سیراب می‌شوند.

مثل نور خورشید که راهش را از بین تاریک‌ترین ابرها باز می‌کند و عالمی را روشنایی می‌بخشد.

قهرمانان آینده ایران زمین! باور کنید ایستادگی و استقامت و تحمل سختی‌ها، بالاخره ما را به پیروزی خواهد رساند. نه اینکه حرف من باشد، نه! این کلام خداست؛ این وعده خداست. کافی است به دور و برتان نگاهی بیندازید:

کسب‌وکار کدام آدم بیشتر رونق گرفته است؟ کدام ورزشکار بیشتر موفق شده است؟ کدام کشور و ملتی، عزت و سربلندی بیشتری نصیبش شده است؟

پاسخ این سوالات کاملاً روشن است: همان‌هایی که در برابر مشکلات، چون کوه ایستاده‌اند.

پس اصل بعدی در سرزمین قهرمانان، قوی بودن و استقامت در برابر

سختی‌ها و مشکلات است. اگر ما با یک سختی و مشکل از میدان خارج شویم، فایده‌ای ندارد و موفق نمی‌شویم. انسان‌های موفق بارها شکست خورده‌اند تا قهرمان واقعی شده‌اند.

«ادیسون» برای اینکه برق را اختراع کند، بارها و بارها شکست خورد، ولی هیچ وقت شکست را نپذیرفت تا بالاخره موفق شد.

علامه طباطبائی رحمته الله علیه که از علمای بزرگ ماست، وقتی تازه وارد حوزه علمیه شده بود، هیچ چیز یاد نمی‌گرفت؛ حتی خیلی از افراد به او می‌گفتند: «رها کن و برو!»؛ اما او تسلیم نشد و قوی ماند و شد: علامه طباطبائی رحمته الله علیه. پس ما نباید در مقابل مشکلات، کم بیاوریم؛ بلکه باید برای رسیدن به قلّه قهرمانی خیلی از سختی‌ها را تحمل کنیم و از سنگ‌ریزه‌ها و صخره‌های بین راه نترسیم و خود را نبازیم.

بزرگ‌ترین ایراد برخی از ما انسان‌ها این است که فکر می‌کنیم انسان‌های بزرگ به راحتی به جایی رسیده‌اند!

به نظر شما آیا «رونالدو» و «مسی» بدون تحمل سختی‌ها بهترین فوتبالیست‌های جهان شده‌اند؟!

آیا «حسن یزدانی» یک شبه قهرمان کشتی جهان شده است؟!

آیا «حسین رضازاده» بدون تلاش، بهترین وزنه‌بردار جهان شد؟!

آیا دکتر «محمود حسابی» بدون تلاش‌های فراوان به این همه مقام

علمی رسید؟!

آیا شهید «حسن طهرانی مقدم» بدون تحمل سختی‌ها توانست

موشک نقطه‌زن بسازد؟!

خداوکیلی قهرمان شدن بدون تحمل سختی‌ها و استقامت ممکن

است؟!

قطعاً خیر!

خب وقتی همه جواب‌ها منفی است، پس چرا خود ما عمل نکنیم؟!

در همین آیه‌ای که ابتدای جلسه روی تابلو نوشتیم هم خداوند می‌خواهد همین موضوع را به من و شما گوشزد کند که مسیر قهرمانی، مسیر ایستادگی و استقامت است. خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ» اگر در مسیر درستی که قرار دارید، بمانید و اهل استقامت باشید و به قول معروف کم نیاورید، «لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا» شما را با آبی فراوان سیراب می‌کنیم.

بینید بچه‌ها! در ادبیات فارسی، آب نماد حیات است؛ نماد زندگی است؛ نشانه ساری و جاری بودن زندگی است؛ یعنی اگر ما اهل استقامت شدیم، به زندگی حقیقی و پیروزمندانه دست خواهیم یافت. خلاصه و در یک کلام: راه قهرمان شدن «در سرزمین قهرمانان»، استقامت است.

خداوند رحمت کند شهید «حمیدرضا نوبخت» را.^۱ در خاطرات این شهید عزیز از زبان دوستش آقای علی‌پور آمده که:

بعد از اینکه از معبرها گذشتیم، به زیر دژ دشمن رسیدیم. نزدیکی‌های صبح به ما خبر رسید که باید برگردید. بی‌سیم‌های ما از کار افتاده بود و تنها به وسیله پیک می‌توانستیم خبرها را از مافوق بگیریم. بچه‌های گروهان من در میدان مین گرفتار شدند. در گیرودار حوادث و در آن شرایط سخت، ایشان (شهید نوبخت) دست مرا گرفت و گفت: «بنشین! می‌خواهم خاطره‌ای تعریف کنم.» من با تعجب گفتم: «الآن که وقت خاطره نیست. گفت: (آقای علی‌پور! در عملیات والفجر خدا می‌داند که ما سه نفر بودیم و در مقابل یک تیپ عراق ایستادگی کردیم!)»^۲.

۱. چه زیباست که هنگام نام بردن از شهید، عکس او نیز به نمایش گذاشته شود.

۲. جمالی، تا آخرین ایثار، ص ۱۰۸.

یا در کتاب «خنده بر خون» که خاطرات شهید «عیسی خدری» است آمده که:

به جایی رسیده بودیم که جیب‌های اجساد دشمن را برای یافتن نارنجک و فشنگ می‌گشتیم، شاید بتوانیم با پیدا کردن حتی یک تیر برای لحظه‌ای بیشتر مقاومت کنیم. در همان موقع، گلوله دشمن قسمتی از پیشانی و چشمم را شکافت و حدقه چشمم آویزان شد! شهید «حسابی» در کنارم بود. چفیه‌ام را از دور کردن درآوردم و از او خواستم تا سرم را محکم ببندد. چاره‌ای نبود؛ باید مبارزه می‌کردیم.^۱

این یعنی عمل کردن به همین آیه. اگر ما در دفاع مقدس پیروز شدیم، یکی از دلایل اصلی آن، همین مقاومت رزمنده‌ها بود.

قبل از ادامه بحث، شادی روح همه شهدا مخصوصاً شهید حمیدرضا نوبخت و شهید عیسی خدری بلند صلوات بفرستید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

اگر یادتان باشد، در جلسات گذشته نیز اصولی را برای «سرزمین قهرمانان» گفتیم. امروز می‌خواهیم بگوییم که نخ تسبیح تمام آن اصول، همین استقامت است؛ چون:

استقامت کردن، یعنی خدا حافظی با ناامیدی‌ها؛

استقامت کردن، یعنی پیش‌گیری از نزاع و درگیری؛

استقامت کردن، یعنی تلاش برای دیدن نیمه پر لیوان؛

استقامت کردن، یعنی توان گذشتن از دوست‌داستانی‌ها؛

استقامت کردن، یعنی پذیرش سختی‌ها برای قهرمان شدن؛

استقامت کردن، یعنی «حُذِّ الْعَفْو»؛ قدرت عفو و بخشش دیگران؛

استقامت کردن، یعنی «مقابله به مهر» به جای «مقابله به مثل».

۱. باقری، خنده بر خون (زندگی و خاطرات سردار شهید عیسی خدری)، ص ۱۸۱.

خب نوبتی هم که باشد، نوبت یک بازی جذاب و باحال است. هر کس احساس می‌کند توانایی تحمل فشارهای زندگی را دارد، دست بلند کند.^۱ خب بازی ما، مسابقه طناب‌کشی است. شما باید تمام تلاشتان را بکنید و سختی این فشار را تحمل کنید تا برنده شوید. قبل از اینکه مسابقه را شروع کنیم، بیایید از قهرمان قهرمانان عالم، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام مدد بگیریم؛ پس همه با هم بلند و یک صدا بگویید: یا حیدر!^۲ ممنونم از همگی به خاطر تلاشی که در راه اثبات استقامت خودتان کردید. حالا به افتخار خودتان که اهل مقاومت و تحمل سختی‌ها هستید، یک دست خوشگل بزنید.^۳

۱. مربیان گرامی به سه نکته توجه ویژه‌ای داشته باشند:

۱. در انتخاب افراد دقت شود تا باعث دلخوری نشود و حتی الامکان کسانی انتخاب شوند که قبلاً شرکت نداشته‌اند.

۲. اگر امکان حضور همه افراد در مسابقه هست، حتماً این کار انجام پذیرد؛ هرچند در چند نوبت جداگانه.

۳. گروه‌بندی باید توسط خود مربی انجام شود تا قوی‌ها در یک گروه قرار نگیرند و نیروی افراد تقسیم شود.

۲. مربی می‌تواند با الفاظی انگیزشی، روحیه استقامت را هنگام مسابقه افزایش دهد؛ مثلاً با گفتن «تو می‌توانی!»، «تو قهرمان آینده این سرزمین هستی!»، «تو اهل استقامت هستی!»، «مقاومتت را بیشتر کن!».

۳. اگر مربیان گرامی فضا را برای دست‌زدن مناسب نمی‌بینند، می‌توانند صلوات را جایگزین آن کنند.

جمع بندی

جمع بندی بحث امروز ما همین مسابقه طناب‌کشی بود که ثابت کردیم هرچه بیشتر توان تحمل سختی‌ها و فشارهای زندگی را داشته باشیم، امکان پیروزی و قهرمانی ما بالاتر می‌رود و این یعنی همان آیه‌ای که اول جلسه گفتیم:

﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾

عهد با ایزد

لطفاً همگی دست نرفکناری خودتان را بگیرید. می‌خواهیم همه‌باهم دست‌به‌دست هم‌بدهیم و عهد ببندیم که در روزهای سخت زندگی، این آیه را با خودمان زمزمه کنیم و امیدمان را از دست ندهیم و از ناامیدی و انتقادات و غرغر کردن‌های بی‌خود پرهیز کنیم.

آخرین نکته هم اینکه: از همین امروز شروع کنیم و یکی از کارهای درستی که به‌خاطر مشکلات و موانع رهاش کرده بودیم را دوباره شروع کنیم؛ مثلاً تمام کردن یک کتاب خوب، انجام دادن یک کار درست، خواندن نمازهایی که قضا شده و....

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیایید دست‌به‌دعا برداریم.
 خدایا! به‌حق قرآن، قدرت تحمل سختی‌ها را به ما عنایت بفرما؛ الهی آمین!
 خدایا! به‌حق این ماه عزیز، ما را در مسیر قهرمان شدن، انسان‌هایی مقاوم قرار بده؛ الهی آمین!
 پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای عنه‌السلام سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!
 شادی دل مادر امام زمان عنه‌السلام حضرت نرجس خاتون عنه‌السلام بلند صلوات بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»



سوزة‌های سخن



خاطره شهید



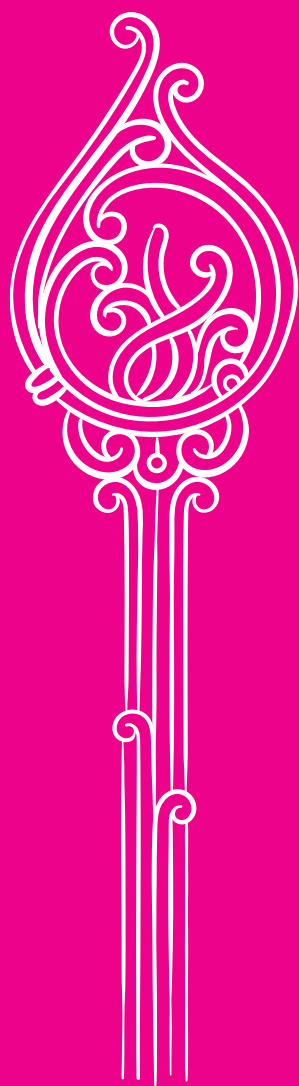
پویانمایی



پادکست صوتی



تبیین آیه



جلسه دهم

الگوی تمام عیار!

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ
عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

سوره فتح، آیه ۲۹

محمد پیامبر خدا و همراهانش، در برابر دشمنان
بی‌دین سرسخت‌اند و با خودشان مهربان.



سُورَةُ الْفَتْحِ

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ
تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ
فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْبَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي
الْإِنجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَفَازَرَهُ، فَاسْتَعْلَظَ فَاسْتَوَى
عَلَى سَوْفِهِ، يُعْجِبُ الزَّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الْحُجُرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا
اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا
أصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ، بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ
لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالِكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ
يَعْزُضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ
اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ
يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٤﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ

ارتباط اولیه

به نام آن خداوندی که یادش می‌کند آرام، قلب بندگانش را.
شروع هر کار با نام و یاد خداست
همان خدای زیبا که داد به ما این کلاس
سلام خدای مهربان به شما غیورمردان ایران زمین! امیدوارم که
عبادت‌ها و قرآن‌هایی که می‌خوانید، همه برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیوم
باشد؛ ان شاء الله.

به رسم شیرین و همیشگی خودمان باید هم خوانی داشته باشیم.
تا من آیه را روی تابلو می‌نویسم، شما هم لطف کنید و یک صلوات قرآنی
زیبا بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ»
خب برویم سراغ بخشی از آیه ۲۹ سوره فتح. خداوند در این آیه می‌فرماید:
﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

۱. مربیان گرامی توجه داشته باشند که ایدئال این است که مترجمان، آیات روزانه را
تلاوت کنند؛ اما اگر نشد، بهتر است خود مربی قرائت کند و به هر دلیلی اگر مربی
نیز نتوانست، می‌توان از فیلم و صوت مشاهیر این عرصه استفاده کرد.

اول اینکه شادی دل پیامبر مهربانی‌ها صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلند صلوات بفرستید:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

دوم اینکه همگی مثل قبل، شاداب و پرانرژی بعد از من تکرار کنید:

– ﴿مُحَمَّدٌ﴾

– ﴿رَسُولُ اللَّهِ﴾

– ﴿وَالَّذِينَ﴾

– ﴿مَعَهُ﴾

– ﴿أَشِدَّاءُ﴾

– ﴿عَلَى الْكُفَّارِ﴾

– ﴿رُحَمَاءُ﴾

– ﴿بَيْنَهُمْ﴾

چون نام زیبای پیامبر ما در این آیه آمده، پس یک بار دیگر با عشق به

حضرت تکرار می‌کنیم:

– ﴿مُحَمَّدٌ﴾

– ﴿رَسُولُ اللَّهِ﴾

– ﴿وَالَّذِينَ﴾

– ﴿مَعَهُ﴾

– ﴿أَشِدَّاءُ﴾

– ﴿عَلَى الْكُفَّارِ﴾

– ﴿رُحَمَاءُ﴾

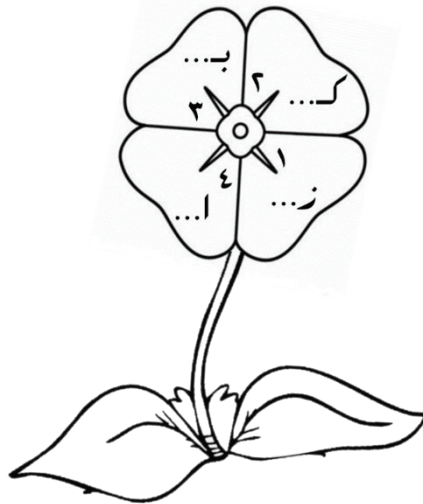
– ﴿بَيْنَهُمْ﴾

هرکس به هر اندازه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را دوست دارد، بلند صلوات بفرستد.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

شروع با معما

از آن جا که شما خودتان گُل هستید، پس من هم یک گل زیبا مثل شما می‌کشم. این گل ۴ گلبرگ دارد و هر گلبرگ یک جواب ۴ حرفی. اولاً شما باید جواب‌ها را پیدا کنید؛ ثانیاً رمز این گل زیبا را به دست آورید.



اما سؤالات:

۱. یکی از القاب و نام‌های حضرت فاطمه علیها السلام؛
۲. از دعا‌های معروف که نام یکی از یاران حضرت علی علیه السلام است؛
۳. در پاییز از درختان می‌ریزد؛
۴. از نعمت‌های خدا در بدن که به «چتر چشم» معروف است.

آفرین به این اطلاعات خوب قهرمانان آینده این سرزمین! حالا برویم سراغ رمز پنهان شده در گلبرگ‌ها. قبل از اینکه من راهنمایی کنم، شما

۱. پاسخ سؤالات: زهرا - گُمیل - برگ - ابرو.

بفرمایید که رمز این گل چیست؟^۱
راه پیدا کردن رمز این گل زیبا، این است که حرف آخر پاسخ‌ها را کنار هم
بگذارید. حالا سریع بگویید که رمز ما چه شد؟
آفرین به همه! رمز ما شد: ((الگو)).



بچه‌ها! یک سوال:^۲ چه کسی می‌داند که ((الگو)) یعنی چه؟
آفرین به شما! همان‌طور که گفتید، الگو یعنی نمونه و مدل. هم‌چنین
به معنای سرمشق و نقشه راه هم می‌تواند باشد.
حالا یک سوال مهم‌تر:

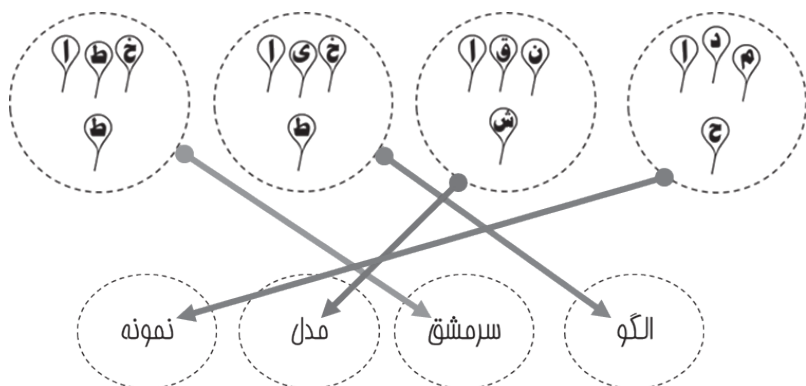
آیا ما باید در کارهایمان الگو داشته باشیم؟ چون می‌دانم جوابتان بله
است، پس به این سؤال مهم جواب بدهید که:
اصلاً چرا باید الگو داشته باشیم؟^۳

همان‌طور که می‌دانید، داشتن الگو لازم است و ما باید در کارها الگو
داشته باشیم. شاید برخی افراد بگویند: یعنی ما بدون الگو نمی‌توانیم به
مقصد برسیم؟! در جواب این افراد باید بگوییم: درست است که می‌شود
در بعضی کارها بدون الگو هم به مقصد رسید، اما اولاً در بعضی از کارها،
مثل رانندگی بدون الگو نمی‌شود به مقصد رسید و حتماً باید یک استاد
راهنما کنار ما باشد؛ ثانیاً در بعضی کارها شاید بتوان بدون الگو هم به
مقصد رسید، اما قطعاً خیلی دیر به مقصد خواهیم رسید. وقتی یک استاد

۱. ابتدا مشارکت‌گیری انجام شود، سپس به ادامه بحث پرداخته شود.
۲. مربی باید ابتدا تمام سؤالات را از متریبان پرسیده، پاسخ‌های آنان را بشنود و موارد مذکور را در گوشه‌ای از تابلو یادداشت کند، سپس در ادامه به تکمیل پاسخ‌ها بپردازد.
۳. مربیان عزیز باید ابتدا نظرات متریبان را بشنوند، سپس به ادامه بحث بپردازند.

راهنمای درجه یک و خوب کنار ما باشد، یک مسیر طولانی را خیلی سریع تر طی خواهیم کرد و زودتر به هدف و مقصد خواهیم رسید.

چه کسی می داند چرا زودتر؟ خب معلوم است! چون او راه را کامل رفته و کل مسیر را بلد است و می تواند به راحتی ما را هم به مقصد برساند. دوستان گلم! من چند تا دایره می کشم،^۱ با توجه به بحث، شما هر کدام که به هم نزدیک تر بود را به هم وصل کنید.



آفرین به شما تیزهوشان عزیزم!

– کسی که می خواهد خطاط حرفه ای شود، باید سرمشق داشته باشد و از روی آن الگو بگیرد تا درجه یک شود.

– کسانی که تازه به کلاس های طراحی و نقاشی می روند، اولین کار مربی این است که یک مدل به آن ها می دهد و می گوید از روی این شروع به کار کنید. اصلاً خیلی واضح است که نقاشی کشیدن از روی یک مدل و الگو، خیلی راحت تر و دقیق تر است.

– خیاط ها را دیده اید؟ آن ها برای اینکه یک لباس زیبا و شیک بدوزند، حتما نیاز به یک الگوی خوب و دقیق دارند.

۱. مربیان عزیز می توانند از کارت های کمک آموزشی نیز برای افزایش جذابیت استفاده کنند؛ بدین صورت که کلمات را داخل برگه ها یا کارت هایی یادداشت کنند و هنگام ارائه به صورت تک به تک نمایش دهند.

– مداح‌ها و قاریان قرآن هم از همان اول، مداح و قاری خوب نیستند؛ بلکه در ابتدای کار، نمونه‌های مختلفی از مداحی و قرائت را گوش داده‌اند و تمرین و تقلید کرده‌اند، تا بالاخره به نتیجه رسیده‌اند. پس برای رسیدن به موفقیت در کارها باید حتماً الگو داشته باشیم. اما سؤال اصلی و اساسی این جاست:

اگر می‌خواهیم در همه مراحل زندگی موفق باشیم، باید از چه کسی یا کسانی الگو بگیریم؟^۱ آیا می‌توانیم هر کسی را الگوی خودمان قرار بدهیم؟! ممنون از نظرات ارزشمندی که دادید.

کسی باید الگوی ما باشد که در همه زمینه‌ها کاربرد است، یا فقط در یک کار مثل ورزش یا سینما یا کاری دیگر مهارت دارد؟ آفرین به همه شما! چقدر خوب است که الگوی ما کسی باشد که در همه امور و کارها حرفی برای گفتن داشته باشد و به نوعی کامل باشد؛ نه فقط در یک کار.

مثلاً اگر یک فوتبالیست الگوی ورزشی من باشد،^۲ دیگر در بقیه کارها نمی‌توانم از او الگو بگیرم؛ چون ممکن است اصلاً به درد آن کار نخورد، یا حتی ممکن است در کاری دیگر، الگوی خیلی بدی هم باشد؛ مثل بعضی از فوتبالیست‌های خارجی که فوتبالتشان خوب است، اما از آدم‌کش‌هایی مثل اسرائیل هم دفاع می‌کنند!

پس ما باید از کسی الگو بگیریم که در همه موارد کامل باشد.

۱. مربیان عزیز توجه داشته باشند که هنگام مشارکت باید نام افرادی را که متریان به عنوان الگو معرفی می‌کنند، در گوشه تابلو یادداشت کرده، برای آنان اندکی توضیح دهند تا متریان دریابند که الگوی کامل باید در تمام مراحل زندگی باشد، نه فقط در یک مسیر.

۲. مربیان عزیز باید توجه داشته باشند که نباید گفت‌وگوها به این سمت برود که الگوی ورزشی متریان را زیر سؤال ببرد؛ بلکه باید به آنان فهماند که این افراد فقط در یک زمینه مثل ورزش می‌توانند الگوی ما باشند، نه در تمام مراحل زندگی.

حالا بفرمایید این شخص کامل، چه کسی است و از کجا می‌شود او را پیدا کرد؟^۱

برای اینکه جواب این سؤال مهم را پیدا کنیم، بیایید برویم سراغ کتاب راهنمایی که خدای مهربان برای ما فرستاده؛ یعنی قرآن.

بچه‌ها به نظر شما واقعاً خدا در قرآن یک الگوی کامل به ما معرفی کرده است؟

آفرین به شماها! بله، دقیقاً. خداوند در قرآن، سوره احزاب، آیه ۲۱ می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾؛ یعنی پیامبر ما، بهترین اسوه و الگو و سرمشق و نمونه برای انسان‌هاست. در ضمن، خدا می‌فرماید: «اسوه حسنه» یعنی یک الگوی خوب و عالی.

در جلسات قبل، از «سرزمین قهرمانان» صحبت کردیم و گفتیم که ما به دنبال یک جمع قوی و قهرمان هستیم. خب در سراسر جهان بهترین جمع‌ها دور یک انسان قوی جمع شده‌اند و هرچه او بزرگ‌تر و قوی‌تر باشد، آن جمع هم بزرگ‌تر و قوی‌تر خواهد بود.

یک فیزیکدان آمریکایی که یهودی هم هست، به نام «مایکل هارت» کتابی نوشته با عنوان «صد؛ رتبه‌بندی مؤثرترین چهره‌های تاریخ». او در این کتاب نام صد نفر از تأثیرگذارترین افراد تاریخ تا به امروز را آورده و جالب است بدانید که از نظر این فیزیکدان یهودی آمریکایی، تأثیرگذارترین شخص تاریخ، کسی نیست جز وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد مصطفی ﷺ. بلند صلوات بفرستید.

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ﴾

۱. برای مشارکت و همراهی متریبان، ضروری است که پاسخ کامل متریبان شنیده شود و از کسانی که پاسخ صحیح می‌دهند، تقدیر و تشکر شود.

جالب است بدانید که آقای هارت می گوید:

((او تنها مرد تاریخ است که در ابعاد معنوی و مادی به شکل

خارق العاده ای موفق بوده است!)).

حالا این فرد موفق تاریخ و به فرمایش قرآن ((بهترین الگو)) یک ویژگی

عجیبی داشتند که در آیه ابتدای کلاس به آن اشاره کردیم. خداوند در

سوره فتح می فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛ یعنی حضرت

محمد ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیر

و در میان خود مهربانند.

یعنی چه؟ یعنی ما اگر می خواهیم پیامبرمان را الگوی خود قرار دهیم،

باید به دو ویژگی توجه ویژه ای داشته باشیم:

۱. ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾؛ سخت گیری و قاطع بودن در برابر دشمنان؛

۲. ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾؛ مهربانی و همدلی در برابر دوستان.



برای اینکه این دو ویژگی مهم را همیشه به یاد داشته باشیم، بیایید با

همدیگر به صورت شعار تکرار کنیم.

کلاس به دو دسته تقسیم می شود و سمت راستی ها باید بگویند:

﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾ بعد سمت چپی ها می گویند: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾.

برای اینکه کمی جذاب تر هم بشود، سمت راستی ها دست چپ خودشان

را به نشانه شعار بلند می کنند و سمت چپی ها دست راستشان را.

در ضمن، هماهنگ بودن فراموشتان نشود. با شمارش من شروع

می شود؛^۱ یک، دو، سه:

۱. مریبان گرامی، علاوه بر مراقبت و کنترل کلاس، به دو نکته نیز برای جذابیت بیشتر

می توانند دقت داشته باشند:

سمت راستی‌ها: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾

سمت چپی‌ها: ﴿رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾

احسنت به همگی! چون خوب جواب دادید، دوباره می‌خواهیم این دو ویژگی را تکرار کنیم؛ اما این بار به فارسی.

حالا سمت راستی‌ها می‌گویند: «(با دشمنان مقابله)»، بعد سمت چپی‌ها می‌گویند: «(با دوستان مراوده)».

البته باید بدانید که «(مراوده)» به معنای دوستی و معاشرت با دیگری است. پس همه باهم و منظم شروع می‌کنیم؛ یک، دو، سه:

سمت راستی‌ها: «(با دشمنان مقابله)»

سمت چپی‌ها: «(با دوستان مراوده)»

احسنت به همه شما قهرمانان این سرزمین!

ببینید بچه‌ها! اگر می‌خواهیم از پیامبر ﷺ الگو بگیریم، ما نیز باید شبیه به ایشان شویم؛ شبیه او که با مشرکان و دشمنان مبارزه می‌کرد و با دوستان و نیازمندان مهربان بود. حضرت علی رضی الله عنه نیز که جانشین پیامبر ﷺ بودند، همین مسیر را ادامه دادند و در زمانی که پرچمدار سپاه اسلام هستند، دروازه قلعه را از جا می‌کنند و سپاه دشمن را نابود می‌کنند، و وقتی یتیمی را می‌بینند، دست نوازش بر سر او می‌کشند و برایش پدری می‌کنند. همه کسانی که ادامه‌دهنده این مسیر هستند نیز به همین روش عمل می‌کنند؛ چراکه الگویشان پیامبر ﷺ و اهل بیت پاک ایشان علیهم السلام هستند.

حاج قاسم سلیمانی رضی الله عنه^۱ یکی از کسانی بود که به همین دوروش عمل می‌کرد؛ یعنی با دشمنان مبارزه می‌کرد و با دوستان، اهل رفاقت بود. وقتی با داعشی‌ها و اسرائیلی‌ها روبه‌رو می‌شد، مبارزه می‌کرد و سرسختانه

۱. حداقل چهار یا پنج مرتبه تکرار کنند تا همه هماهنگ و همراه شوند.

۲. مربی باید هماهنگ با هر گروه، دست خود را بلند کند و گاهی برای به اشتباه انداختن متریبان، دستش را برعکس بقیه بلند کند.

۱. چه زیباست که هنگام نام بردن از شهید، عکس او نیز به نمایش گذاشته شود.

می‌جنگید، و در مقابل وقتی با بچه‌های شهدا روبه‌رو می‌شد، آن‌ها را بغل می‌کرد و می‌بوسید.

ببینید بچه‌ها! در تاریخ هر کشوری قهرمانان و پهلوانان زیادی وجود دارند که در مقابل ظلم و ستم مبارزه کردند یا از مردم مظلوم و ستم‌دیده دفاع کردند. در زمانه ما هم قهرمانان و سردارانی بوده و هستند که در مقابل ظلم و جور مبارزه کرده، به داد مردم مظلوم و ستم‌دیده می‌رسند. سردار عزیز ما حاج قاسم سلیمانی علیه السلام یکی از همین قهرمانان ایران زمین است که نامش در تاریخ جاودانه است.

حاج قاسم فرزند ایران و بچه کرمان بود. او در دوران هشت ساله دفاع مقدس، فرمانده سپاه کرمان بود و چندین بار در طول جنگ مجروح شده بود. بعدها هم به یکی از فرماندهان قدرتمند سپاه ایران تبدیل شد.

حالا این فرمانده مقتدر ایرانی که داعش را نابود کرد و **«أَشَدَّاءُ عَلٰی الْكُفَّارِ»** بود، در برابر کودکان و دوستان و آشنایان، دلی مهربان داشت و **«رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ»** بود. تعریف می‌کنند:

در یک جلسه رسمی که برای بزرگداشت شهدای مدافع حرم برگزار می‌شد، فرزند خردسال یکی از شهدا در صندلی کنار حاج قاسم نشسته بود. برگزارکنندگان جلسه می‌خواستند جای دختر بچه را به یکی از مسئولین کشور بدهند؛ اما حاج قاسم مهربان اجازه نداد؛ چرا؟ چون ایشان اولاً **«رَحْمَاءُ بَيْنَهُمْ»** بودند؛ ثانیاً به خاطر دل مهربانی که داشتند، می‌خواستند برای چند دقیقه هم که شده، جای خالی پدر را برای دخترک پر کنند.

احتمالاً در تلویزیون، فیلم نماز خواندن سردار سلیمانی را دیده باشید؛ روزی در یک نماز جماعت، زمانی که سردار در حال نماز بودند، کودک‌کی جلو رفت و شاخه‌گلی به سردار داد. ایشان هم چون مهربان بودند و نمی‌خواستند دل کودک را بشکنند، در حال

نماز شاخه گل را از کودک گرفتند!

قبل از اینکه ادامه بحث را بگویم، بیاید شادی روح همه شهدا مخصوصاً حاج قاسم سلیمانی عزیز و دو دوست همیشگی او یعنی سید حسن نصرالله و ابو مهدی المهندس علیه السلام سه صلوات بلند بفرستیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ»

پس قرار ما بر این شد که اگر می‌خواهیم جمعی بزرگ و قوی داشته باشیم تا بتوانیم «سرزمین قهرمان» را شکل بدهیم، باید در برابر دشمنان، قاطع باشیم و با آن‌ها مبارزه کنیم و در میان دوستان و خودی‌ها مهربانی را سرمشق زندگی قرار دهیم؛ چراکه خداوند می‌فرماید: «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».

چه کسانی تا الآن زیارت عاشورا را خوانده یا شنیده‌اند؟ هر کس خوانده، بلند بگوید: «یا حسین».

حالا کسانی که شنیده‌اند، بلند بگویند: «یا حسین».

حال همگی با هم بگوییم: «یا حسین».

در بخشی از زیارت عاشورا به امام حسین علیه السلام می‌گوییم: آقا جان! «إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ سَأَلْتُكَمُ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»؛ یعنی با هر کسی که دوستدار شما بوده و در جبهه و طرف شماست، من نیز با او دوست و یار و رفیقم، و با هر کس که علیه شماست، می‌جنگم.

و این یعنی همان «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ».

آخرین نکته هم جملات رهبر عزیزمان امام خامنه‌ای علیه السلام در این باره باشد که می‌فرمایند:

مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را

مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست

انجام بدهید.^۱

یعنی همان شعاری که دادیم:
با دوستان مراوده با دشمنان مقابله



گفتیم که داشتن الگو در زندگی لازم است و ما برای اینکه در تمام مراحل زندگی موفق باشیم، حتما باید الگو داشته باشیم. حتی گفتیم که بعضی از کارها را بدون الگو اصلاً نمی‌شود یاد گرفت.

هم‌چنین گفتیم کسی که می‌خواهیم به عنوان الگو انتخاب کنیم، باید در همه موارد نمونه و سرمشق باشد و کسی که فقط در یک رشته تخصص دارد، قطعاً نمی‌تواند الگوی کاملی برای ما باشد.

بنابراین سراغ قرآن رفتیم و دیدیم که خدای مهربان، بهترین الگوی زندگی را پیامبر ﷺ معرفی کرده که ایشان، هم کاملند و هم برای تمام موارد زندگی برنامه دارند.

در ادامه هم به یکی از خصوصیات ایشان اشاره کردیم و گفتیم ایشان چگونه بودند؟ احسنت: **«أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»**.

عهد با ائمه

برای اینکه ما نیز ادامه‌دهنده این مسیر قهرمانی باشیم، بیاید با این آیه هم عهد شویم و تمام تلاشمان را برای دوستی بیشتر انجام دهیم و با دشمنان اسلام و انقلاب مبارزه کنیم.

راستی، یکی از راه‌ها این است که از بچه‌های مظلوم غزه حمایت کنیم؛ مثلاً پوستر درست کنیم و نقاشی برایشان بکشیم و همه جا پخش کنیم، یا در راه‌پیمایی‌هایی مثل روز قدس شرکت کنیم.

دعای پایانی

در انتهای کلاس هم بیایید دست به دعا برداریم.

خدایا! به حق این ماه عزیز، ما را عضوی از گروه «سرزمین قهرمانان» قرار بده؛ الهی آمین!

خدایا! به حق قرآن، به همه ما کمک کن تا در همه مراحل زندگی، از پیامبر ﷺ الگو بگیریم؛ الهی آمین!

پروردگارا! به رهبر عزیزتر از جان ما، امام خامنه‌ای عنه‌السلام سلامتی و طول عمر باعزت عنایت بفرما؛ الهی آمین!

ما مصطفی ندیدیم نام خوشش شنیدیم
مهرش به جان خریدیم صلّ علی محمد، صلوات بر محمد
شادی دل پیامبر مهربانی‌ها حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بلند صلوات بفرستید.
(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ)

